

میدان نقش جهان اصفهان

لطف‌الله هنرفر دکتر در تاریخ
اسناد دانشگاه اصفهان

رسیده است در رساله «راهبر برای مسافری اصفهان» طول میدان را قریب پانصد متر و عرض آنرا ۱۴۰ متر و مساحت آنرا هفتاد هزار ذرع مربع ذکر کرده و درباره وجه تسمیه این میدان به نقش جهان نوشته است که قبل از صفویه در مجاورت این میدان باغی بنام نقش جهان وجود داشته با کوشکی که با حورتها و انواع نقش‌ها آراسته شده بود و باین مناسبت آنرا باغ نقش جهان می‌گفته‌اند. یکی از دروازه‌های این باغ متصل به کوشک بوده است که آنرا در کوشک می‌گفته‌اند و اکنون نام محله‌ایست مشهور به در کوشک. مؤلف تاریخ «الاصفهان» خرابی باغ و کوشک نقش جهان را به شاه عباس دوم نسبت میدهد و اضافه مینماید که این پادشاه باغ آنرا میدان گام ساخت.

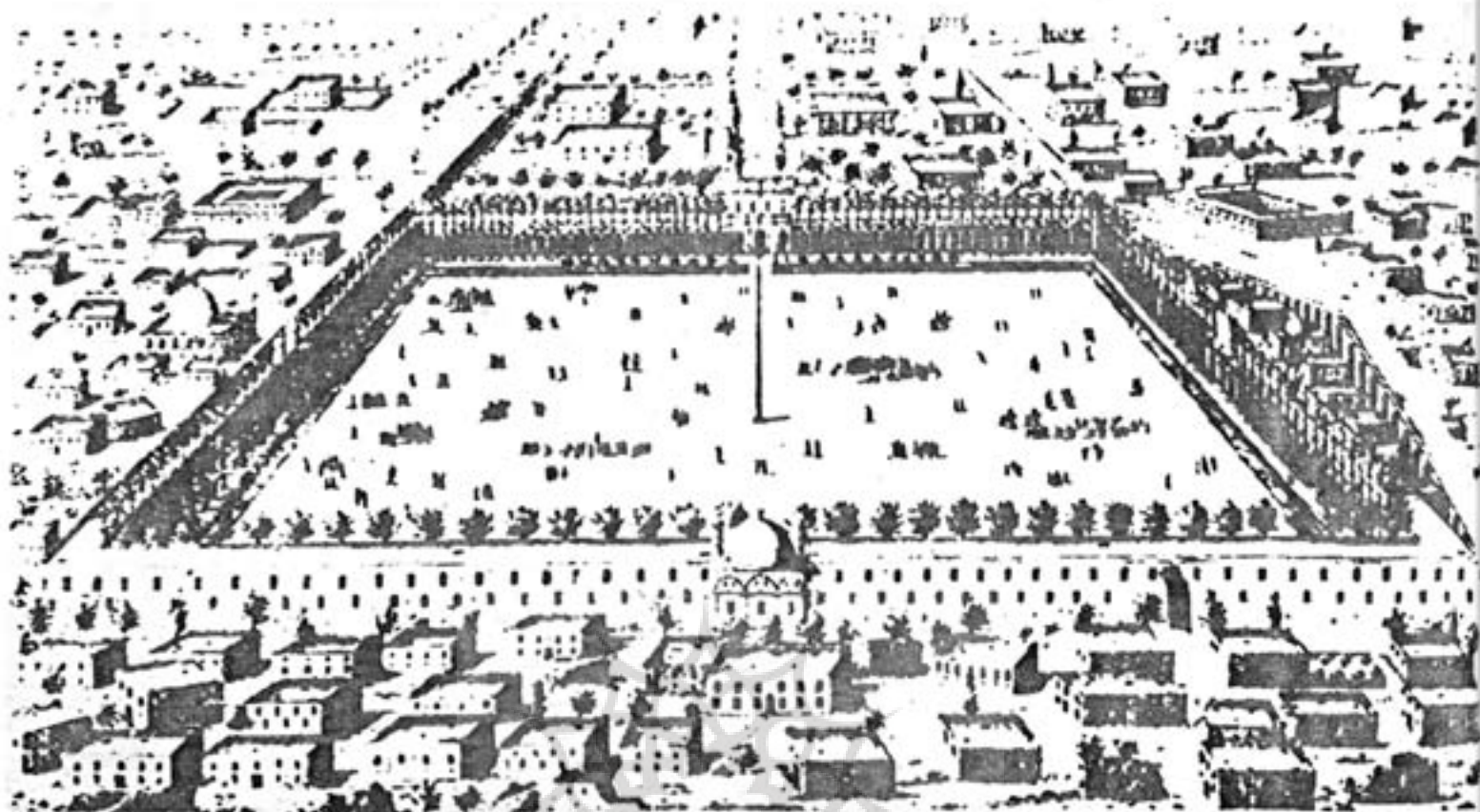
سابقه نام نقش جهان

نگارنده در مطالعه جغرافیای تاریخی ایران به این نتیجه

۱ - با توجه به موقع فعلی محله در کوشک در اصفهان نگارنده چنین استنتاج میکند که باغ نقش جهان خیلی وسعت داشته و میدان فعلی نقش جهان قسمتی از آن باغ محسوب میشده است. در دوره جانشینان تیمور قمری در کنار آن بنا شده که عمارت عالی‌قابوی فعلی در دوران شاه عباس اول در محل همان قصر بنا شده و میدان نقش جهان که وسعت امروزی را نداشته است نیز بدستور این پادشاه پس از انتخاب اصفهان به پایتختی ناهدود امروزی آن وسعت داده شده و آثار تاریخی مسجد شاه و عالی‌قابو و مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه و چهار بازار در اطراف آن بنا شده است. یکی از آثار تاریخی موجود اصفهان سردر زاویه یا خانقاه در کوشک است که آنرا باب‌النصر نیز می‌گفته‌اند و چون نگاهداری آن در محل اصلی با مخاطراتی مواجه بوده است به باغ چهلستون انتقال داده شده و بریکی از دیوارهای ضلع غربی باغ نصب شده است. کتیبه این سردر بنام ابوالعظیم رستم بهادرخان از سلسله آوقویونلو تزیین شده و تاریخ بنای آن سال ۹۰۲ هجری در کتیبه آمده است. شیر سنگی در کوشک هم از شیرسنگهای معروف اصفهان است که زمانی برای نمایان آنرا در بازار قیصریه آویزان کرده بودند و بر اثر سقوط پاهای آن شکسته است. شیر آسیبدیده در کوشک در حال حاضر در گوشه‌ای از محل اصلی سردر تاریخی در کوشک قرار دارد.

میدان نقش جهان اصفهان یک مجموعه عالی معماری و هنری اصفهان است که بدون شک تا اواخر قرن شانزدهم میلادی و اوایل قرن یازدهم هجری نه در ایران و نه در هیچیک از کشورهای دنیا نظیر آن بوجود نیامده بوده است. این پدیده عالی معماری و هنری اثرات فکر خلاقه معماران مجرب ایران است که نام آنها در سردر مسجد شاه و محراب مسجد شیخ لطف‌الله هم ذکر شده است. این دو معمار عالی‌قدر که تاریخ دوران صفویه بوجود آنها منقح است یکی استاد علی‌اکبر اصفهانی و دیگری استاد محمدرضای اصفهانی است که میدان نقش جهان و آثار نفیس تاریخی اطراف آن مانند مسجد شاه و عمارت عالی‌قابو و مسجد شیخ لطف‌الله و بازار شاهی را بی‌افکنده‌اند و در اتمام آنها کوشیده‌اند. نام استاد علی‌اکبر اصفهانی در کتیبه سردر مسجد شاه اصفهان و نام استاد محمدرضا در داخل محراب مسجد شیخ لطف‌الله ذکر شده است.

میدان نقش جهان هم از لحاظ وسعت و هم از لحاظ ترکیب چهار ضلع شمالی و جنوبی و شرقی و غربی و آثار تاریخی اطراف آن یک پدیده بی‌نظیر معماری در جهان هنر است و هم اکنون با وجود آنکه در دنیا میدانهای بزرگ بوجود آمده باز هم نظیر و مانند ندارد. این میدان که حدود ۵۱۰ متر طول و ۱۶۰ متر عرض دارد در قلب شهر اصفهان بنا شده و در چهار طرف آن چهار بازار وجود داشته که در حال حاضر بازارهای ضلع شمالی و ضلع شرقی و جنوب شرقی میدان مانند گذشته دایر و مرکز دادوستد است ولی بازارهای ضلع غربی و جنوب غربی آن تغییر شکل داده و قسمت‌هایی از آن ضمیمه ساختمانهای الحاقی دوره‌های بعد شده است. محمدههدی ارباب مؤلف کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان که کتاب خود را در سال ۱۳۰۸ هجری قمری به رشته تحریر کشیده است طول میدان را پانصد ذرع شاه و عرض آنرا یکصد و شصت ذرع تعیین کرده است. میرسیدعلی جناب مؤلف کتاب «الاصفهان» که دفتر اول آن در سال ۱۳۴۲ هجری قمری در مطبعه فرهنگ اصفهان طبع



تصویر میدان نقش جهان از دوره دلد که در دوران سلطنت شاه عباس دوم در اصفهان بوده است (از کتاب اسناد تصور اروپاییان از ایران)

سلجوقی بنام "انتر" و "تلسکابک" که از هواداران محمود بودند بلافاصله بر کیارق را در گوشه میدان بازداشت نمودند.

میدان نقش جهان قبل از ظهور شاه عباس

اسکندریک ترکمان مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی در ذکر احوال شاه اسماعیل اول تحت عنوان «ذکر تنبیه متمردان عراق و فتح قلاع و فیروزی یافتن آن خسرو آفاق» یکی از متمردان را بنام محمد کتره که حکومت ابرقو را بعهده داشت نام می برد که نسبت به شاه اسماعیل عامی شده و به یزد حمله برده است و شاه اسماعیل پس از دو ماه محاصره شهر یزد و قلعه آن بر محمد کتره دست یافته او را در قفس آهنین محبوس گردانیده و به فرمان او در میدان نقش جهان اصفهان به قتل رسیده و جسد او را سوزانده اند.

رسید که یکی از شهرهای آذربایجان (نقش جهان) نام داشته است و آن شهر نخجوان یا نخجوان در شمال رود ارس است که معمولاً از جمله شهرهای آذربایجان بشمار می آید و همان «نوی» در نزد جغرافی نویسان عرب است که در کتب آنان ذکر آن مکرراً آمده ولی تفصیلی درباره آن داده نشده است. شهر نخجوان در دوره مغول اهمیت پیدا کرد و حمدالله مستوفی در مورد آن نوشته است :
شهر خوشی است آنرا نقش جهان خوانند و اکثر عمارات آن از آجر است.

میدان نقش جهان در زمان سلاجقه

چنین بنظر می رسد که در دوران سلاجقه میدان نقش جهان گوشه میدان نام داشته. مؤلف تاریخ راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق در ذکر سلطنت سلطان بر کیارق فرزند ملک شاه سلجوقی نوشته است که در رمضان سال ۴۸۷ هجری چون این پادشاه در جدال با غش "تنش" شکست خورد تن به اطاعت برادرش محمود داد که در این تاریخ وارد اصفهان شد و پس از آنکه از اسب پیاده شد، یکدیگر را در آغوش گرفتند دوسردار

۲ - جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی - ترجمه فارسی چاپ تهران صفحه ۱۷۹ .
۳ - تاریخ راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق چاپ تهران صفحه ۱۵۲ .
۴ - جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه ۳۰ و ۳۱ .

تاریخ بنای میدان شاه و چهاربازار

برای تعیین تاریخ قطعی بنای میدان نقش جهان که امروز به میدان شاه شهرت دارد دوستند صحیح ومدون بشرح زیر در دست داریم :

۱ - ولی قلی شاملو صاحب کتاب قصص الخاقانی که در دوران شاه عباس دوم می زیسته است تاریخ بنای میدان شاه و چهاربازار اصفهان را سال ۱۰۱۱ هجری نوشته است.^۵

۲ - سید عبدالحسین خاتون آبادی (۱۰۳۹ - ۱۱۰۵) مؤلف تاریخ «وقایع السنین والاعوام» که با جانشینان شاه عباس کبیر معاصر بوده است بنای میدان نقش جهان را در سال ۱۰۱۱ هجری ضبط کرده است.^۶

عایدات چهاربازار اطراف میدان نقش جهان در سال ۱۰۱۷ هجری بوسیله شاه عباس کبیر بر چهارده معصوم علیهم السلام وقف شده است.^۷

باغ نقش جهان

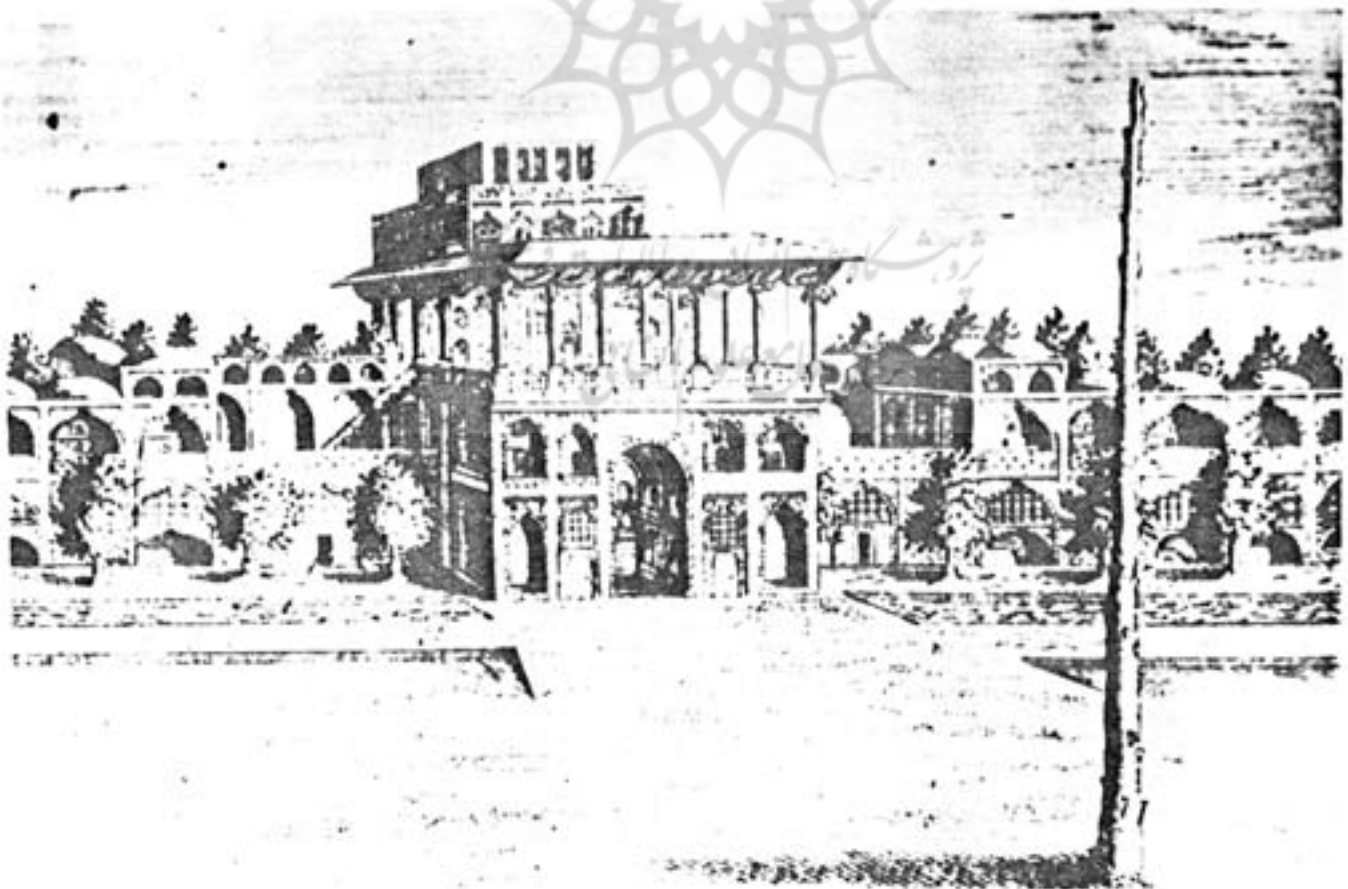
اسکندربیک ترکمان در تاریخ عالم آرای عباسی ضمن بیان وقایع دوران سلطنت شاه عباس اول در چند جا از باغ نقش جهان نام می برد، از آن جمله در برگراری جشن نوروز سال هفدهم جلوس همایون شاهی چنین می نویسد :

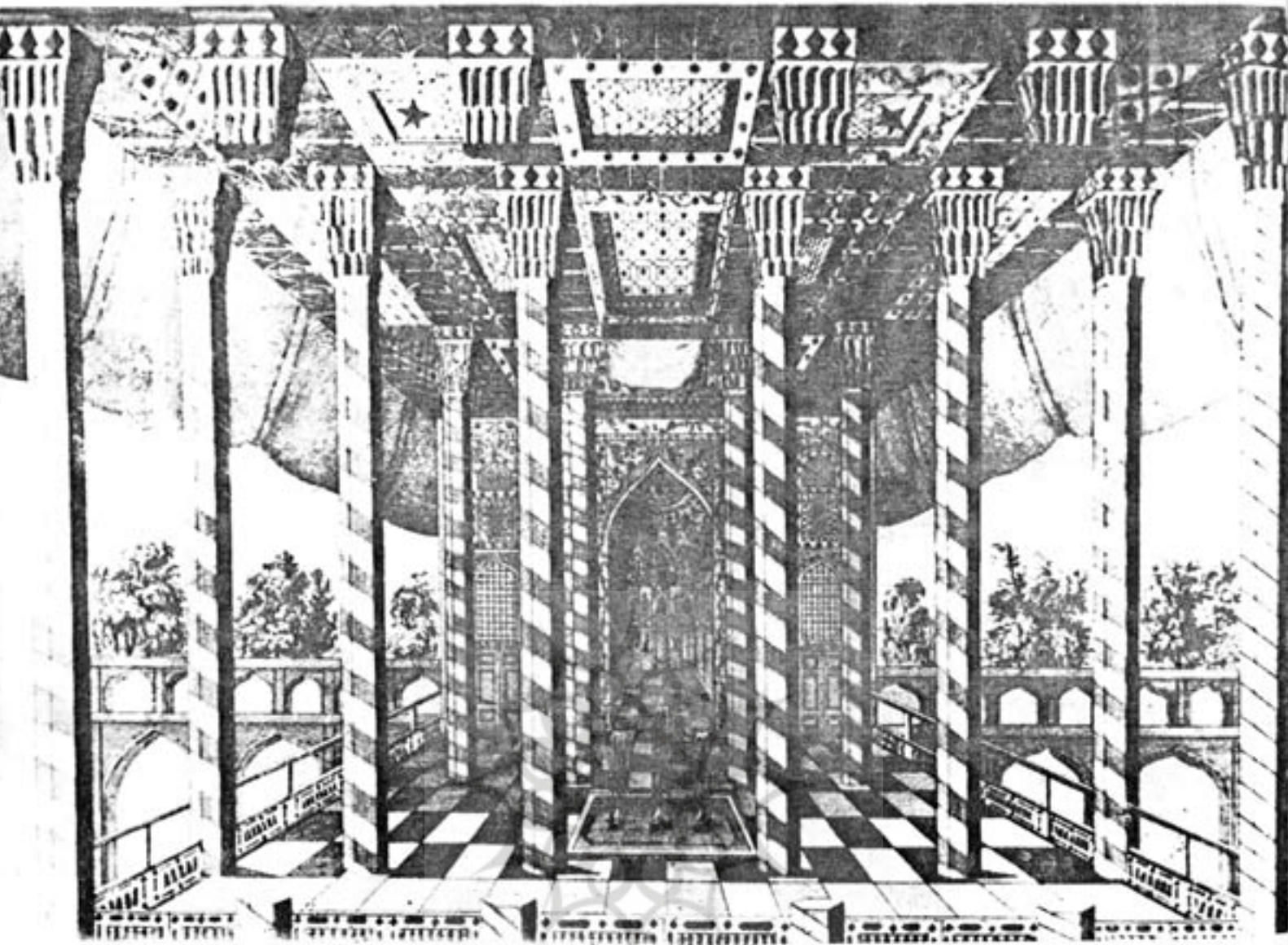
«نسیم عنبرشیم بهار چون مشک تبار عطرییزی آغاز نهاده ، نکهت رسان منام خوشدلی و دلگشائی گردید کوس نوروزی صدای بهجت فرای جهان افروزی در نه رواق سپهر انداخته ، صلابی عشرت و شادگامی بعالمیان در داد ، اغنی خورشید عالم آرا که تخت نشین دارالملک فلک چهارم است در روز جمعه هفتم شهرشوال احدی عشر و الف از آرامگاه حوت بشرف خانه حمل خرامیده ، لوای شوکت واقتدارش ارتفاع آسمانی یافت ، جهانیان را خرمی تازه پدید آمد ، ابواب نشاط و شادمانی بر روی خلاق گشوده گشت ، شهریار رزمجوی بزمخو برسبیل معهود و رسم معتاد در دارالسلطنه صفاهان بزم آرای محفل نشاط گشته بر حسب فرمان درباغ جهان آرای نقش جهان مجالس بهشت نشان مرتب گردید و اسباب چراغان مهیا و آماده گشته چراغهای شکفتگی افروختگی پذیرفت»^۸.

مؤلف عالم آرای عباسی در برگراری جشن نوروز سال بیست و سوم جلوس اقدس همایون شاهی ظل اللهی که در باغ نقش جهان بر گزار شده است چنین می نویسد :

«مناظرگان نگارستان سخنوری و حجله آرایان شبستان نکته پروری عرایس ایکار سیر و شواهد اخبار را بدینگونه زیب و آرایش داده اند که نوروز فیروز اینسال همایون فال در روز شنبه چهاردهم شهر ذی الحجة الحرام سنه سبع عشر و الف اتفاق

منظره عمارت عالی قابو و میله فیک که درست راست عکس بوضوح تمام نمایش داده شده (نقاشی سائون Sanson در دوران شاه سلیمان صفوی)





منظره تالار عمارت عالی قابو و تزیینات آن در دوره شاه عباس دوم (از آلبوم مصور شاردن)

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خلاق که در پای تخت همایون بودند علی قدر مراتبهم قسمت فرموده هر طبقه مجلسی طرح انداختند و اطراف اربعه آن دریاچه را بامراء و وزراء و ارکان دولت و مقربان بارگاه سلطنت اختصاص دادند و محافل فیض بخش بهجت فرا انعقاد یافته در برابر هر مجلس چهارطاقها افراشته استادان تجار و مهندسان نادره کار بفنون غریبه انواع هیاکل پرداخته چراغدانها بر آن تعبیه نمودند و همه شب تا بصبح روشنان سپهر مینائی که مجلس آریان عالم علوی و بزم افروزان عشرتسرای

افتاد، مهوشان ریاحین که از دستبرد سپاه دی بای در دامن خمول پیچیده بودند جلوه گری آغاز نهاده، دماغ روزگار از نکتت بهار و شمیم شکوفه از هار عنبر آگین گردید و باغ جهان آرای نقش جهان اصفهان از نکتت گل و سرور بلبل رشک جنان و طراوت بخش روضه رضوان گشت.

پادشاه مؤید منصور در کمال بهجت و سرور بطریق معهود در باغ مزبور جشن عالی طرح نموده، اطراف نهر آبی که از آن باغ جاریست و حوض بزرگی بر مثال دریاچه در میان مرتب یافته سلاطین ماضیه خصوصاً حضرت خاقان جنت آشیان ابوالقاء، شاه اسماعیل علیه الرحمة و الرضوان عمارت دلگشا در کنار حوض و بالای نهر ساخته و پرداخته و فی الواقع آن مکان تزیینت بخش نشانی از روضه دارالقرار و معدن جنات نحری من تحتها الانهار است با کابرو اعیان دار السلطنه مذکور و بلوکات و اهالی خراسان و سواحب تبریز و تجار و اسناف

- ۵ - نسخه خطی قصص الخاقانی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان صفحه ۲۲ .
- ۶ - رجوع شود به نسخه خطی کتاب وقایع السنین والاعوام متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی ایران صفحه ۵۳۵ .
- ۷ - صفحه ۷۶۰ جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران .
- ۸ - جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی صفحه ۶۳۴ .

ملکوتی‌اند بهزاران چشم حسرت بر آن چراغان و مجالس بهشت‌نشان مینگریستند و شهریار عشرت‌آئین محفل‌آرا همه شب در آن مجالس روح‌افزا سیر فرموده در هر مقامی که دل‌نشین خاطر انور میشد آرام گرفته صحبت پیرا بودند و نغمه سرایان خوش‌آهنگ و معنیان تیزچنگ بنغمات دلاور و ترنمات شکرریز غمزدای خواطر بوده، گلرخان لاله عذار از باده‌های خوشگوار دماغ مجلسیان را تازه و تر میداشتند»^۹.

چراغانی و آتش‌بازی میدان نقش جهان در دوران صفویه

علاقه شاه‌عباس به چراغانی و آتش‌بازی چندان بود که هر گاه یکی از شهرهای بزرگ ایران میرفت یا از سفری به پایتخت باز میگشت فرمان دیداد شهر را چراغان کنند و وسائل آتش‌بازی فراهم آورند. اینگونه تشریفات غالباً چندین شب دوام می‌یافت و شاه هر شب به بهانه‌ای به تماشای چراغانی میرفت. یک شب سفیران بیگانه را به تماشا دعوت میکرد و شب دیگر با زنان حرم به گردش می‌پرداخت و شب سوم گروهی از سرداران و سران دولت را با خود به تماشا می‌برد. دو سال پس از جلوس شاه‌عباس به تخت سلطنت یعنی در سال ۹۹۸ که از سفر شیراز به اصفهان مراجعت میکرد است در میدان نقش جهان ترتیب چراغانی و آتش‌بازی داده شده، یکی از معاصران وی درباره این جشن و پذیرائی چنین نوشته است:

«در سال ۹۹۸ که از شیراز باصفهان بازگشت مردم اصفهان از آمدن او اظهار سرور و شادی بسیار کردند و شهر را بدین شادی آئین بستند، ساحت میدانه و بازارها را مسطح کردند و دیوارها و سقفها را بتش‌ونگار و تصاویر چین و فرنگ آراستند. در اطراف میدان با چوب درختان سرو و چنار کلبه‌ها و افلاک متحرک دوآر که همه برنگهای مختلف مزین بود ترتیب دادند و شمعها و چراغهای بسیار بر آن درختان و فلک‌های چوبین نصب کردند هنگام شب از فروختن آنهمه شمع و چراغ و مشعل ساحت میدان چون سپهر مرین پرستاره میشد. موشک‌بازان نادره کار نیز فضای میدان را بانواع صنعت از هیاکل جانوران و موشکهای گوناگون آراستند. وقتی که شمعها و چراغها رو به سب میشد آن موشکها را آتش‌میزدند و چهارا چون کوره آهن‌سوزان پر از شراره‌های رنگارنگ میساختند، این چراغان و آتش‌بازی نزدیک یکماه دوام یافت و شاه‌عباس شب و روز در آن مجلس بهشت‌افروز بمیگساری و عیش و کامرانی مشغول بود و در آن روزها سواری و گوی‌بازی و قبق‌اندازی میگذرانید»^{۱۰}.

یکی از نویسندگان معاصر او درباره ورود شاه به اصفهان در سال ۱۰۰۴ چنین می‌نویسد:

«شاه‌عباس در سال ۱۰۰۴ از قزوین باصفهان رفت و باز بر حسب دستور او پانزده هزار پیاده از اصفهان و توابع مانند نطنز و اردستان و نائین و غیره گرفتند و از دولت‌آباد تا دروازه طوقچی صف بستند، امرا و اشراف هم پیشکتهای فراوان تقدیم کردند، در میدان نقش جهان آتش‌بازی مفصل شد که مخرج

سردر بازار قیصریه و عمارت نقاره‌خانه در طرفین آن و دروازه شمالی میدان چوگان (عکس از آلبوم مصور شاردن)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموعه علوم انسانی



آن بدو هزار و سیصد تومان رسید و مخارج پانزده هزار بیاده نیز که هر نفر را گذشته از براق و لباس يك تومان نقد داده بودند در حدود بیست هزار تومان شد»^{۱۱}.

در سال ۱۰۲۰ هجری ولی محمدخان فرمانروای ترکستان وارد اصفهان میشود و از طرف شاه عباس کبیر به افتخار ورود او جشنها و چراغانها ترتیب داده میشود. اسکندریک ترکمان مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی نوشته است که از طرف پادشاه بدفعات مراسم آتشبازی و چراغانی در میدان نقش جهان ترتیب داده شد و از جمله آتشبازیهای عجیب از قبیل بزرگی صحبت میدارد که در حین آتش دادن و توپ انداختن از آن کوه پیکر آتشخوی زمین نورد بادها حرکات عجیب و حمله های مهیب مشاهده میشد و موجب انبساط خاطر خان ترکستان و حاضران بساط اقدس میگردد.

در ماه رجب سال ۱۰۲۸ هجری که شاه عباس از مازندران و قزوین به اصفهان باز میگشت دستور داد که بناسبت ورودش میدان بزرگ نقش جهان و بازارها و کوی های اطراف آنرا چراغان کنند. بی یرو دلاواله^{۱۲} درباره این چراغانی مینویسد: «شاه روز یکشنبه سوم رجب ۱۰۲۸ که شانزدهم ماه ژوئن ۱۶۱۹ میلادی بود پس از سه روز توقف در یکی از باغهای چهارباغ نهانی وارد شهر شد بطوری که مردم از ورودش آگاه نشدند و این نخستین دفعه ای بود که او بدین صورت از سفر بیابخت وارد میشد. روز دیگر چون چراغها و مشعلها وسایر لوازم کار چراغان مهیا شده بود شاه دستور داد که آنها را روشن

کنند و تمام مردان با اسلحه از کوچه هایی که بسته نبود تردد وی روند ولی زنان درد کانهها و بازارها بمانند زیرا که او میخواهد بانوان حرم خود را بتماشای چراغان ببرد محوطه چراغان که راهبای ورود بانجا را از هر سو با دیوارهایی بسته بودند مشتمل بود بر میدان نقش جهان یا میدان بزرگ شهر با تمام خاندها و سردرها و کویها و بازارهای اطراف این میدان و همچنین بازار تجار ایریتم و بازارهای کفاشان و عطاران و بازار قیصریه که بازاری است بزرگ مخصوص فروش ماهوت و پارچه های دیگر و سکه خانه که در آنجا پول سکه میزنند و کاروانسرای لله نیک خزانه دار شاه که محل کارهای مربوط به اوست و کاروانسرای کوچک دیگری که به محله گیلک معروف است زیرا که مرکز معاملات سوداگران و مردم گیلان است»^{۱۳}.

در سال ۱۰۵۶ هجری ندر محمدخان فرمانروای ترکستان به شهر اصفهان وارد میشود و از طرف شاه عباس دوم مورد پذیرائی قرار میگیرد. بافتخار ورود او هم جشنها و چراغانها

- ۹ - جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه ۷۸۰ .
۱۰ - در روضه السفویه نسخه خطی . نقل از زندگانی شاه عباس اول جلد دوم صفحه ۲۸۶ .
۱۱ - زندگانی شاه عباس اول جلد دوم تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ۲۸۷ .
۱۲ - Pietro Della Valle جهانگرد ایتالیایی است که در دوران سلطنت شاه عباس اول اصفهان را دیده است .
۱۳ - زندگانی شاه عباس اول جلد دوم صفحه ۲۸۹ .

در این عکس که حدود سال ۱۳۰۷ شمسی گرفته شده آثار باقیمانده اطافیهائی که در پشت ایوانهای فوقانی اطراف میدان نقش جهان وجود داشته و شاردن سیاح فرانسوی به آنها اشاره میکند بخوبی دیده میشود. محلی که سربازان تمرین نظامی میکنند جای عمارت تالار مطولیه است که از توابع قصر عالی قاپو بشمار میرفته و در دوران قاجاریه خراب شده است

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



ترتیب داده میشود. قبل از ورود به میدان نقش جهان و عمارت عالی قاپو ابتدا در باغ سلطنتی قوشخانه در نزدیکی دروازه طوقچی پذیرائی شایسته‌ای از خان ازبک بعمل می‌آوردند و سپس شاه عباس دوم مهمان خود را تا مدخل عمارت عالی قاپو همراهی نموده و برای استراحت ندر محمدخان را به متزلی که برای سکونت وی آماده شده بود هدایت مینمایند و در شب هفدهم ماه رمضان برای تماشای چراغانی و آتش بازی میدان نقش جهان با تفاق شاه عباس دوم در تالار عمارت عالی قاپو حضور بهم میرسانند.

میدان نقش جهان با پنجاه هزار چراغ روشن میشده است

از سیاحان و نویسندگان خارجی شوالیه شاردن Jean Chardin سیاح مشهور فرانسوی که در دوران سلطنت شاه عباس دوم و شاه سلیمان در اصفهان بوده است، نحوه چراغانی میدان نقش جهان را بشرح زیر توصیف کرده است:

«سردر مسجد شاه و سردر بازار شاه که هر کدام در دو طرف میدان واقع هستند بشکل نیم هلالی است و جلوی هر یک حوضی است به محیط هفتاد پا و عمق ده پا که اطراف آن از سنگ ساخته شده است و همواره در آنها آب زلال جریان دارد چه یکی از لذات ساکنان ممالک گرمسیری داشتن آب خنک و سرد است. در اطراف این بناهای عالی پایه و منجیق‌هایی از چوب قرار داده‌اند که روی آنها از پائین تا بالا جای چراغ ساخته شده که در جشنها و اعیاد روی آنها چراغ گذارده روشن میکنند و در هیچ کجای دنیا چنین چراغانی دیده نمی‌شود زیرا تعداد این چراغها در حدود ۵۰ هزار عدد است.»

چوگان بازی و قبیق اندازی در میدان نقش جهان

شاه عباس به چوگان بازی که از ورزشهای بسیار قدیم ایران و ظاهراً از ابتکارات ایرانیان است عشق و علاقه فراوان داشت و هر گاه که از کار جنگ و لشکر کشی و سفر فراغت می‌یافت یا میخواست مهمانان بیگانه خود را سرگرم کند به چوگان بازی مشغول میشد. ایرانیان برخلاف برخی از ملل دیگر همیشه سواره چوگان بازی میکردند. در زمان شاه عباس عده سواران هر طرف از پنج یا شش بیشتر نبود و هرگز چنانکه در بعضی از بازیهای امروز مرسوم است بهم تنه یا مشت نمیزدند و مانع پیشرفت و حمله یکدیگر نمیشدند. هر سواری میکوشید که خود را زودتر به گویی که از چوب بسیار سبک ساخته شده بود برساند و آنرا با چوگان که چوب بلند سر کجی بود از دسترس حریف دور کند. چوگان را بدست راست میگرفتند و هنر چوگان باز در آن بود که گوی را از نزدیک دنبال کند و همیشه از حریفان پیش باشد و اگر وقتی نتوانست خود را به گوی برساند

حتی الامکان راه حریفان را نیز ببندد و نگذارد که گوی را به چوگان بزنند.

چون کار چوگان بازی مستلزم خوب اداره کردن اسب و تمرین حرکات گوناگون بود از این ورزش برای تربیت کردن سواران چابک بی باک استفاده بسیار میشد و شاید بهمین سبب نیز شاه عباس چوگان بازی را تشویق میکرد چنانکه غالباً بی آنکه خود در بازی شرکت کند در میدان بزرگ شهر بتماشا می‌نشست و اجازه میداد که مردم نیز از زن و مرد برای تماشا حاضر شوند.

پس از آنکه ولی محمدخان ازبک بعنوان مهمان شاه به اصفهان آمد همه روزه در میدان نقش جهان شاه او را بتماشا چوگان بازی و قبیق اندازی یا آتش بازی و امثال آن دعوت میکرد و چون بازی به پایان میرسید برای گردش و تفریح به باغهای سلطنتی که بروی مردم باز بود، میرفتند.

شاه عباس علاوه بر میدان نقش جهان اصفهان که برای چوگان بازی و بازیهای دیگر آماده شده بود در شهرهای دیگر هم که محل مناسبی برای این بازی موجود نبود دستور میداد میدانهایی بنا کنند چنانکه در سال ۱۰۰۶ هجری پس از گرفتن کیلان از خان احمد گیلانی دستور داد باغ پیش قلعه لاهیجان را که پر از درختان میوه دار و انواع گل‌های زیبا بود و در حدود دوازده هزار ذرع مربع وسعت داشت هموار و بمیدان بزرگی تبدیل کردند و در آنجا میله قبیق برپا ساختند تا برای چوگان بازی و قبیق اندازی آماده باشد.

قبیق اندازی: قبیق چوب بلندی بود که در میان میدان بزرگ شهر برپا میکردند و بر آن گویی یا جامی زرین یا خربوزه و سیب و گاه ظرفی پر از سکه طلا قرار میدادند سپس تیراندازان سوار چابک دست آنرا هدف میساختند و هر کس که آن نشانه را به تیر میزد و از فراز قبیق بزرگ می‌انداخت جایزه‌ای گرانبها میگرفت، این بازی که از جمله تفریحات گوناگون پادشاهان صفوی بوده است قبیق اندازی نام داشت.

شاه عباس باین بازی نیز علاقه وافر داشت و از تماشا می‌نشد لذت بسیار می‌برد، هر وقت که بدستور او در میدان شهر قبیق اندازی میکردند، خود برای تماشا در اطاق کوچک چوبینی که شاه نشین نامیده میشد می‌نشست، این اطاق را روی چهار چرخ تعبیه کرده بودند بطوری که باسانی دور خود میگشت و بمیل شاه از جایی بجای دیگر منتقل میشد، در قبیق اندازی سواران تیرانداز مجبور بودند که در حال تاخت هدف را از فراز قبیق بزرگ اندازند و ببیداست که اینکار بی مهارت و جالاکی بسیار میسر نمیشد، اگر آنچه بالای قبیق گذاشته بودند ظرفی پر از سکه‌های طلا بود چون بر زمین می‌افتاد سکه‌ها را میان شاطران شاه قسمت میکردند، سواری هم که جایزه بزرگ بازی را می‌برد ناگزیر بود همه سرداران و بزرگان که در آن شرط بندی

شرکت کرده بودند حتی شخص شاه را بخانه خود میهمان کند^{۱۴}.

مذاکرات تاریخی در میدان نقش جهان

شعبان سال ۱۰۲۸ هجری یعنی مقارن آن زمان که بنای مسجد شیخ لطف الله به اتمام رسیده و سردر مسجد شاه ساخته و پرداخته شده و به سرعت مشغول به ریزی سایر قسمت‌های مسجد بوده‌اند شاه عباس کبیر پیش از آنکه به عزم گردش از اصفهان به جانب کوهستان اطراف حرکت کند سفرای ممالک خارجی را هنگام غروب در میدان نقش جهان احضار کرد و سفرای اسپانیا و روسیه و سفیر پاپ را اجازه داد که به ممالک خود بازگردند، سپس دن گارسیا دوسیلوا فیگروا^{۱۵} سفیر اسپانیا را به گوشه تاریکی از میدان برد و از اسب به زیر آمد و بر روی زمین نشست، سفیر را نیز در مقابل خود اجازه جلوس داد، پرژان تاده^{۱۶} رئیس کشتیان کرملیت و دو تن از نجیب زادگان اسپانیا را هم که از همراهان دن گارسیا بودند پیش خود خواند تا شاهد مذاکرات او با سفیر باشند، از ایرانیان جز ساروتتی وزیر و قرچغای خان سهالار و حسین یک مهماندار و چند تن دیگر از نزدیکان شاه کسی آنجا نبود. پس شاه از پرژان تاده خواست که مترجم مذاکرات او با سفیر شود و به سفیر گفت که اگر درخواستی دارد اظهار کند، دن گارسیا گفت خواهشی ندارد مگر اینکه مایل است اعلیحضرت عموم عیسویان مقیم ایران را از یرتقالی و اسپانیولی و ایتالیائی شخصاً حمایت کنند و به ایشان اجازه دهند که به سبک معمول خویش در اصفهان کلیسائی بازند.

شاه جواب داد که این مطلب محتاج به خواهش نیست زیرا او خود عیسویان را حمایت می‌کند و با ساختن کلیسا نیز مخالفتی ندارد. خواهش دیگر سفیر آن بود که شاه بر همسایگان خود یعنی پرتغالیهای هرمز به دیده دوستی بنگرد و از انگلیسیها که دشمن پرتغالیها هستند طرفداری نکند. شاه عباس کلام او را قطع کرده گفت که اگر امروز دوستی من با پرتغالیهای هرمز ست شده است ایشان خود مقصودند زیرا با مسلمانان بدرفتاری می‌کنند و بی سبب ایشان را اسیر و محبوس می‌سازند، علاوه بر این مانع آمدن مسلمانان به ایران می‌شوند و آنان را مجبور می‌کنند که بدین عیسی درآیند و البته دست از این گونه اعمال زشت بکشند و در کار انگلیسیها نیز مداخله نکنند.

پس سفیر اسپانیا موضوع بندر گمبرون یعنی بندر عباس امروز و جزیره بحرین را پیش کشید. شاه جواب داد که ما جزیره بحرین را از امیر هرمز گرفته‌ایم و مربوط به پرتغالیها نبوده است و اگر پرتغالیها پیش از این در جزیره بحرین با امیر هرمز که مسلمان بوده است سروکار داشته‌اند امروز هم ما که مسلمان هستیم سروکار نخواهیم داشت و از این جهت برای ایشان تفاوتی حاصل نشده است و گمان ندارم که فایده

پادشاه ایران در همسایگی برای پادشاه اسپانیا از امیر هرمز کمتر باشد. اما راجع به بندر گمبرون باید صریحاً بگویم که این بندر در خاک ایران و کاملاً از قلمرو حکومت پرتغالی هرمز خارج است و من با تصرف این بندر به حقوق کسی تجاوز نکرده‌ام.

بالجمله شاه با جوابهای صریح خود سفیر را آگاه کرد که از آنچه گرفته است چیزی باز نخواهد داد و ضمناً شکایت کرد که سلاطین فرنگ غالباً به او وعده‌هایی داده و وفا نکرده‌اند و گفت که من تاکنون بیش از عده روزهای سال یعنی متجاوز از ۳۶۶ قلعه از ترکان عثمانی گرفته‌ام در صورتی که پادشاهان عیسوی فرنگ نه یک خانه بلکه یک انبار و حتی یک آغل بز هم نتوانسته‌اند از آنها بگیرند و سفیر را تهدید کرد که اگر با من چنین رفتار کنند ناچار راه بیت المقدس را پیش خواهم گرفت و آنچه نباید بکنم می‌کنم.

توصیف میدان نقش جهان

از سفرنامه پی‌ترو دل‌واله

پی‌ترو دل‌واله Pietro Della Valle جهانگرد ایتالیائی است که در سال ۱۶۱۷ میلادی برابر با ۱۰۲۵ هجری اصفهان پایتخت شاه عباس اول را دیده و در سفرنامه خود میدان نقش جهان را بشرح زیر توصیف کرده است:

«میتوان از دو محل نام برد که بنظر من نه تنها نظیر آنها در قسطنطنیه نیست بلکه با بهترین آثار مسیحیت برابر و حتی بدون تردید بر آنها مزیت دارند، یکی از این دو محل میدان شاه یا میدان اصلی شهر واقع در جلوی قصر سلطنتی است که طول آن ۶۹۰ و عرض آن ۲۳۰ قدم میشود. دورتادور این میدان را ساختمانهای مساوی و موزون و زیبا فرا گرفته که سلسله آنها در هیچ نقطه قطع نشده است. درها همه بزرگ و کانه‌ها هم سطح خیابان و پیرامته هستند و بالای آنها ایوانها و پنجره‌ها و هزاران تزئینات مختلف منظره زیبایی بوجود آورده است. این حفظ تناسب در معماری و ظرافت کار باعث تجلی بیشتر زیبایی میدان میشود و با وجودی که عمارتهای میدان ناوونا^{۱۷} در رم بلندتر

۱۴ - زندگانی شاه عباس اول جلد دوم تألیف سمراس فلسفی

صفحه ۳۰۴ - ۳۰۷

۱۵ - Don Garcias de Silva Figueroa

۱۶ - Père Jean Thadée

۱۷ - Piazza Navona معروفترین و زیباترین میدان شهر

روم است که بنظر بسیاری از مردم مغرب زمین در دنیا میدانی از آن زیباتر وجود ندارد و فقط کسانی که این میدان را دیده و با این نظر آشنا هستند میتوانند بفهمند نویسنده حتی با ذکر عقیده خود دایر بر ترجیح میدان شاه به میدان ناوونا چه جساتی از خود بروز داده و تاجه حد تحت تأثیر زیبایی میدان شاه اصفهان فرار گرفته است (رجوع شود به سفرنامه پی‌ترو دل‌واله ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفاء چاپ تهران).

وغنی تر هستند اگر جرئت این را داشته باشم باید بگویم میدان شاه را بدلائل مختلفی بر آن ترجیح میدهم. اطراف میدان در نزدیکی دکانها نهر پرآبی جاری است که در وسط آن سنگهایی برای رفت و آمد پیاده‌ها قرار داده‌اند و بین این نهر و دکانها بخط مستقیم درختهای پرشاخ و برگ و بکسان کاشته‌اند که چند وقت دیگر وقتی برگهای آنها بروید بنظرم قشنگترین منظره عالم را تشکیل خواهند داد.

وسط تمام میدان با سنگهای ریز فرش شده و برای دویدن یا اسب سواری موقعیتی از آن بهتر وجود ندارد.

درب ورودی خانه شاه در یکی از اضلاع طولی میدان شاه واقع شده ولی در وسط آن نیست بطوری که اگر این ضلع میدان را به سه قسمت کنیم از یکطرف یک سوم و از طرف دیگر دو سوم با ضلع غربی میدان فاصله پیدا میکند و برای بیان حقیقت باید گفت زیبایی این درب بیش از عظمت و شکوه آنست. قدری پائین تر مدخل ورودی زنان دربار است منتهی درب آن هنوز برجای گذاشته نشده است. مقابل در این عمارت در طرف دیگر میدان مسجدی است با گنبدی زیبا که تمام دیوار آن از کاشی‌های ظریف و رنگارنگ پوشیده شده است (مسجد شیخ لطف‌الله). در ضلع فوقانی میدان مسجدی است که فعلاً مشغول ساختمان آن هستند^{۱۸} و در پائین میدان نزدیک بازار (مقصود شمال میدان است) به قرینه آن سردر بزرگی است که در طبقه بالای آن دو جای گاه قرار دارد که هر روز غروب آفتاب در آن نثاره می‌زنند و دو آهنگ جنگی ایران و ترک را می‌نوازند که به گوش خوش می‌آید و با وجود بزرگی میدان در همه جا ملین می‌افکنند.

میدان نقش جهان در دوران شاه عباس دوم

شاردن Jean Chardin جهانگرد مشهور فرانسوی میدان نقش جهان را در سفرنامه خود بتفصیل توصیف کرده است چنانکه خود او میگوید سفر اول به ایران از ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ میلادی (۱۰۷۴ تا ۱۰۸۰ هجری) طول کشیده و در این سفر سه سال آخر سلطنت شاه عباس دوم و سه سال اول سلطنت شاه سلیمان را درک کرده است. مسافرت دوم او از ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ میلادی (۱۰۸۱ تا ۱۰۸۷ هجری) طول کشیده و بعلمت تمایل زیادی که به شناختن ایران و نوشتن سفرنامه‌های دقیق و صحیح راجع به آن داشته است او را برانگیخته که در این مدت به اندازه امکان و با کمال جدیت بتحصیل زبان فارسی و شناسائی دقیق آداب و رسوم این کشور پرداخته و مرتباً به دربار و دیوانخانه مراجعه نموده و با بزرگان و دانشمندان به گفتگو پرداخته است و چنانکه خود گوید:

«در کشوری مانند ایران که هم از لحاظ بعد مکانی و هم از نظر عادات و رسوم برای ما دنیای جدیدی است آنچه را

ممکن بود حس کنجکاوی ما اروپائیان را برانگیزد بدقت بررسی کردم و برای شناسائی آنچه مربوط به ایران است بدقت کردم و به اندازه‌ای رنج بردم که بدون انحراف می‌توانم ادعا نمود که مثلاً اصفهان را بیش از لندن میشناسم در صورتیکه بیش از ۲۶ سال در آن شهر بسر برده‌ام و همچنین زبان فارسی را درست مانند انگلیسی و تقریباً مانند فرانسه صحبت میکنم. تقریباً تمام طول و عرض کشور ایران را پیموده و همه جای آنرا از دریای خزر تا اقیانوس و سرحدات آن مانند ارمنستان و قفقاز جنوبی و ماد و عربستان تا کرانه رود سند دیده‌ام».

شاردن درباره میدان نقش جهان نوشته است که این میدان یکی از زیباترین میدانهای جهان است که شکل مربع مستطیل دارد بطول ۴۴۰ قدم و عرض ۱۶۰ قدم. اطراف میدان نهری است که با آجر و آهک سیاه که از سنگ سخت تراست ساخته شده. این نهر بعضی شش پا و ازاره‌های آن از سنگ سیاه و پیاده‌رو آن باندازه یک پا بلندتر است ولی عرض این سنگ‌ها به اندازه‌ایست که چهار نفر با سانی میتوانند روی آن بپلوی یکدیگر حرکت کنند. بین این نهر و اطرافهای اطراف میدان فضائی بعضی ۲۰ پا وجود دارد. در اطراف میدان دوست اطلاق است که همه بیک اندازه و یک سبک و دوطبقه ساخته شده است. اطرافهای طبقه زیرین هر یک عبارت است از دو دکان که یکی رو بمیدان و دیگری بطرف بازار است. طبقه بالا نیز عبارت است از چهار اطاق که دو تای آن بطرف میدان و دو تا در عقب واقع است. هر یک از اطاقهای رو بمیدان ایوانی دارد و جلوی آنها طارمی‌هایی کشیده شده که با آجر و گچ و به رنگ سبز و قرمز ساخته شده و بی‌اندازه بچشم زیبا می‌آید. هر یک از اطاقها بطرف بازار راهائی دارد که در موقع تابستان بسیار خنک می‌باشد.

عمارت ساعت در میدان نقش جهان

شاردن نوشته است غیر از این اطاقها در اطراف میدان بناهای بزرگی وجود دارد مانند (در قصر سلطنتی) یعنی عمارت عالی قابو و (در حرمراس) در سمت مغرب و (مسجد صدر) یعنی مسجد شیخ لطف‌الله و یک عمارتی که ماشینهای متعددی در آن قرار داده‌اند و آنرا (ساعت سازی) مینامند در طرف مشرق. در جنوب میدان مسجد شاه و در شمال آن بازار واقع شده. میدان دارای دوازده مدخل عمده و چند مدخل کوچک است. شاردن در جای دیگری از سفرنامه خود راجع به عمارت ساعت یا ساعت سازی میدان نقش جهان توضیح بیشتری داده و چنین مینویسد:

«عمارت ساعت که فعلاً مورد توجه نیست بهنگام جلوس شاه عباس دوم برای تفریح و خوش آمد وی ساخته شده است. این عمارت مانند بازیچه کودکان است مخصوصاً برای کسیکه

چیز مهمی در عمر خود ندیده باشد چه شاهان ایران تا موقع تاجگذاری بحال کودکی بر میبرند^{۱۹}. این عمارت عبارت است از تعدادی عروسکها و بازوها و سرها و دستهایی که بصورت های نقاشی شده روی دیوار نصب و بجای اعضای آنها بکار میرود و نیز تعدادی پرندگان و حیوانات چوبی است که با حرکت پاندول های ساعت ب حرکت آمده و در ساعت بصدا در می آیند و آوای مخصوصی از آنها بگوش میرسد. ایرانیان باین دستگاه با چنان نظر تحسین و شگفت انگیز نگاه میکنند که ما ساعت (استراسبورگ) و (آنورس) نمی نگریم و آنرا شاهکار قوای محرکه میدانند در صورتی که نقاشی های آن بی تناسب و صدای آن ناموزون و گوش خراش و بازیچه ای بیش نیست^{۲۰}.

در مرکز میدان دکل بزرگی است بیلندی صدویست پا که در روزهای رسمی برای نشانه زدن بکار میرود. در شمال و جنوب میدان بفاصله سی و پنج پا از نهر دو ستون سنگی واقع شده که دروازه های بازی چوگان است.

تاورنیه سیاح دیگر فرانسوی که از هزار و چهل و یک تا هزار و هفتاد و هشت هجری شش سفر بشرق زمین کرده و بیش از نه بار ایران را دیده است، نوشته است که وقتی شاه میخواهد تیراندازی بکند جام زرینی روی دکل نصب مینمایند. باید سوار در سرتاخت بیاید از زیر آن بگذرد و بعد با قیتاج بتیر و کمان آن جام را بزند. اینهم از رسومات قدیمه ایران است که در حال فرار با قیتاج دشمن خود را میکشند هر کس جام طلا را با تیر بزند از آن او خواهد بود. و من خود دیدم که شاه صفی در پنج تاخت سه جام را با تیر فرود آورد.

تویهای میدان نقش جهان

در دو طرف در قصر سلطنتی (عمارت عالی قاپو) بفاصله ۱۱۰ قدم طارمی چوبی منقشی است که در داخل فضای بین آن و دیوار قصر ۱۱۰ توپ چدنی سبزرنگ قرار داده اند. اغلب این توپها، تویهای کوچک صحرائی است باستانی دوتوپ بزرگ و از نوع خمپاره انداز که ایرانیان با آنها شتر میگویند. این توپها ساخت اسپانیا و جزء غنائمی است که ایرانیان هنگام فتح هرمز از قلاع پرتقالیها بچنگ آورده اند و این غنائم در تمام شهرهای ایران و از آن جمله اصفهان توزیع شد.

دو ستون تاریخی که در میدان

نقش جهان قرار داشته است

شاردن نوشته است در گوشه در حرمرسا دو پایه ستون مرمر بسیار زیبا و گرانبهائی وجود دارد که از خرابه های تخت - جمشید آورده اند. میرسیدعلی جناب مؤلف تاریخ (الاصفهان) در رساله «راهبر برای مسافران اصفهان» چنین نوشته است:

دو ستون سنگی با نقش اورمزد (اهورامزدا) و غیره حالیه جلوی عمارت تیموری در چهارحوض می باشد (عمارت تیموری یا چهارحوض که این مؤلف از آن نام برده است اکنون محل باشگاه افسران اصفهان است).

شاردن این دو ستون را در میدان شاه جلودرب حرمرسا نشانی داده و تصور کرده است که از عمارت تخت جمشید به اینجا منتقل شده باشد. آقای هرتسفلد^{۲۱} در کنفرانس خود در سالن معارف در اردیبهشت ۱۳۰۶ از این دو ستون اسم برده که هشتاد سال قبل در اصفهان وجود داشته و حالیه اثری از آنها نیست.

مؤلف (الاصفهان) در دنباله بیان این مطلب اضافه میکند که این دو ستون در مقابل درب خورشید (درب حرمرسا) سال گذشته ۱۳۰۶ از زیر خاک و آوار میدان شاه بیرون آمد و بنظر میرسد که اصل آنها متعلق به عمارت سلطنتی شهر جی بوده است که باینجا منتقل شده و من مشروحاً در قسمت ابنیه و آثار قدیمه کتاب (الاصفهان) نوشته ام^{۲۲}.

یکی از این دو ستون در حال حاضر در عمارت چهلستون اصفهان قرار دارد و ستون دیگر در موزه ایران باستان در

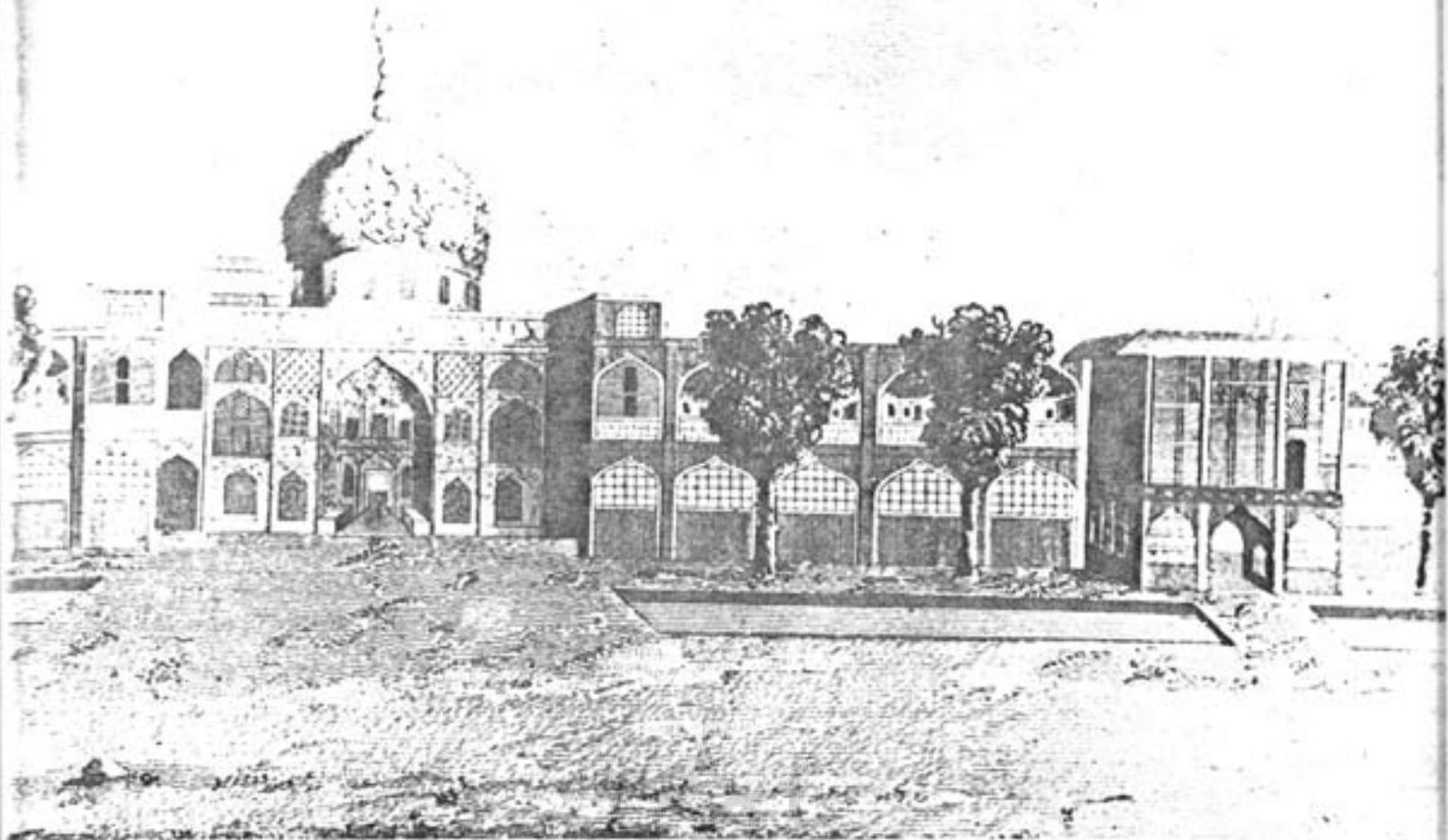
۱۸ - بی ترو دلواوله در بیان جهت جغرافیائی میدان نقش جهان اشتباه کرده است زیرا مقصود او مسجد شاه بوده که مقارن اتمام مسجد شیخ لطف الله متغول بر ریزی آن بوده اند و در ضلع جنوبی میدان قرار دارد نه قسمت فوقانی آن.

۱۹ - مقصود شاردن از ذکر این نکته که شاهان ایران تا موقع تاجگذاری بحال کودکی بر میبرند جانشینان شاه عباس اول تا شاه مذهب دوم است که همیشه در چهار دیواری حرم تحت نظر بودند و معاشرین و ندمای آنها را خواجگان و زنان تشکیل میدادند و هنگامی که به سلطنت میرسیدند هیچگونه اطلاعی از مملکت داری و وظایف خود در امر خلیف سلطنت نداشتند.

۲۰ - شوالیه شاردن فرانسوی. قسمت شهر اصفهان ترجمه حسین عربی صفحه ۳۸.

۲۱ - Ernst Herzfeld پروفور هرتسفلد از بزرگان مستشرقین و ایران شناسان نامی است که اهمیت دخالت ایران دوره ساسانی را در تاریخ معماری و صنعت عالم مرفی نموده و در نتیجه مطالعات و تحقیقات فراوان در خصوص معماری و ابنیه ایران قدیم دایره اطلاعات دیگران را که در این باب بسیار محدود بوده و صنعت کامل بخشیده است. وی اول بار در تخت جمشید با روش علمی به حفاری پرداخت و نتایج عالی بدست آورد. سلسله انتشاراتی که بزبان آلمانی تحت عنوان (اطلاعاتی راجع به آثار قدیم ایران) توسط او منتشر میشده نماینده پشتکار و مهارت کامل او درباره این موضوع است. کتاب مهم او که بزبان انگلیسی در سال ۱۹۴۱ میلادی در آکسفورد بطبع رسیده (ایران و شرق قدیم) نام دارد و بزرگترین تألیف او که در سال ۱۹۴۷ میلادی در آمریکا انتشار یافته است در باب (زردشت و دنیای عهد او) میباشد.

۲۲ - بطوریکه مؤلف کتاب (الاصفهان) متذکر شده کتاب وی در ده دفتر تدوین شده ولی متأسفانه تا این تاریخ بیش از یک جلد از کتاب وی بطبع نرسیده است و از سایر مؤلفات وی اطلاعی در دسترس ما نیست.



منظره مسجد لطف‌الله و عمارت ساعت که در طرف راست عکس مشاهده میشود (از آلبوم تصور شاردن)

آن سه یا چهارپای مربع است ولی اکنون در آن ساعتی نیست و این یا بعلافت آنست که فعلاً ساعت سازی برای بکار انداختن آن موجود نیست و یا بسبب آنست که هر نوع صدای ناقوس در مذهب ایرانیان ممنوع میباشد ولی بالای آن ناقوسی بوزن ۸۰۰ یا ۹۰۰ لیور قرار دارد^{۲۲} که در کنار آن کلمات ذیل به لاتین حک شده است.

Santa Maria Oro Pro nobis mulieribus

و ترجمه آن چنین است :

«ای حضرت مریم برای ما بیچارگان دعا کن» از این کلمات چنین بنظر میرسد که این ناقوس متعلق بدیر شهر هرمز بوده و پس از غلبه شاه عباس بر برهتالیها و فتح هرمز از آنجا به اصفهان انتقال داده شده و در سردر قیصریه نصب شده است . از سردر قیصریه وارد مجلل‌ترین و بزرگترین بازارهای اصفهان میشویم که در دوره صفویه مرکز فروش پارچه‌های گرانبه بوده و نمایندگان کمپانی‌های خارجی در آنجا حجره‌هایی داشته‌اند ، در وسط بازار چهارسوئی است که دارای گنبد منتهی زیبایی از زمان شاه عباس است و در طرف راست آن (ضرابخانه) و در طرف چپ آن (کاروانسرای شاه) قرار داشته است و امروز نیز باقی است .

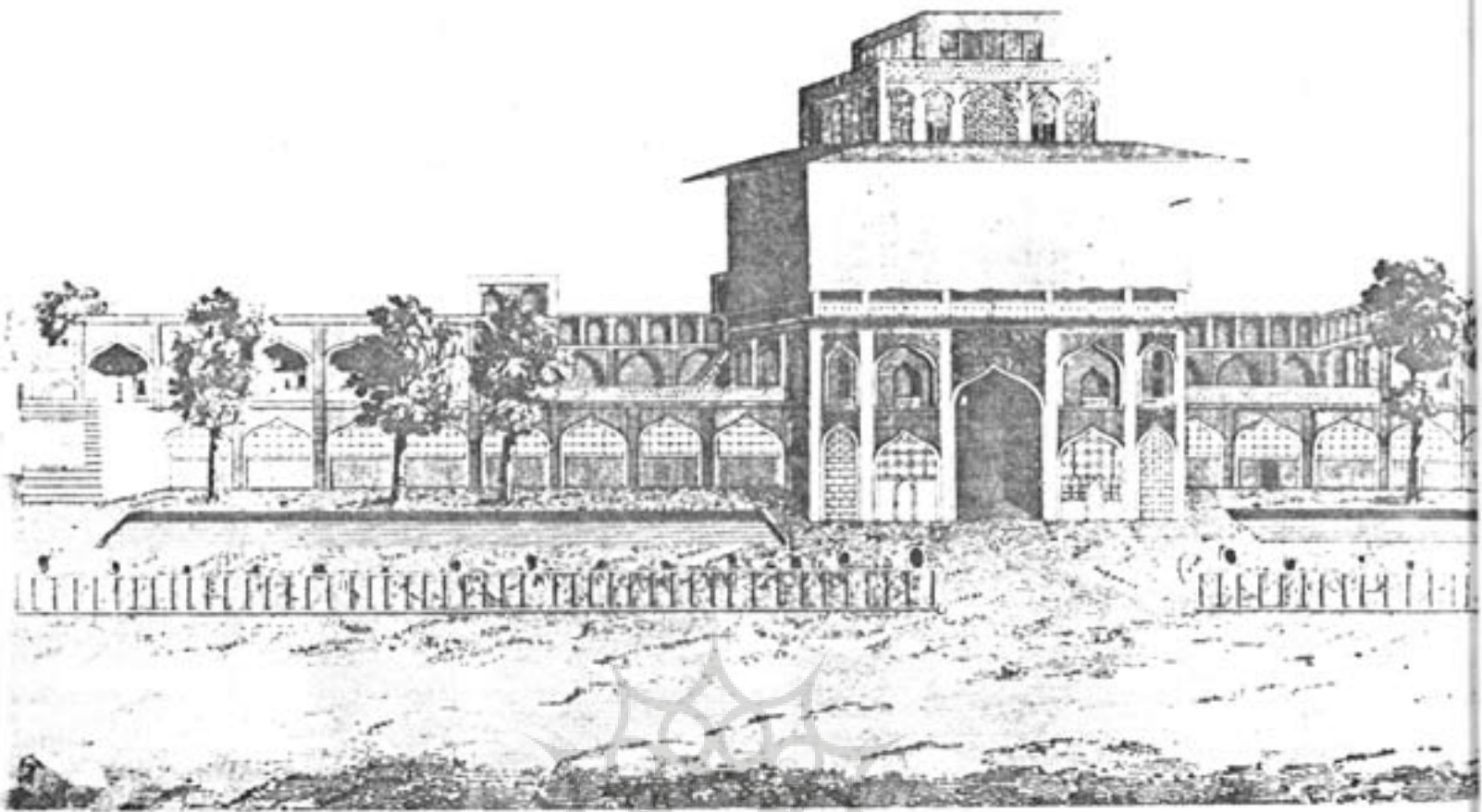
تهران برای مشاهده سیاحتان بنمایش گذاشته شده و در ذیل آن چنین نوشته شده است :

«یکی از دو سرستون سنگی اصفهان نظیر سرستونهای بیستون متعلق به اواخر زمان ساسانی که در عمارت تیموری اصفهان بدست آمده است» .

سردر قیصریه در شمال میدان نقش جهان، دانشگاه علوم انسانی و مطابقت بزرگی

در شمال میدان نقش جهان سردر قیصریه و بازارشاهی واقع شده که سقف آن با مترسهای زیبای نقاشی شده آراسته شده و دیوارهای جبهه شمالی و شرقی و غربی آن صحنه‌هایی از جنگ‌های شاه عباس با ازبکان و مجالس بزم اروپائیان و شکارگاه شاه عباس نقاشی شده و در صحنه شکارگاه شاه عباس کبیر با تاج مخصوص در حالیکه بر اسب خاکستری رنگ سوار است مشاهده میشود. این نقاشی‌ها که کار رضای عباسی و شاگردان او میباشد چون در معرض تأثیر عوامل جوی بوده است به مقدار زیاد کم رنگ شده و در بعضی جاها تماماً بر بکلی محو شده است. شاردن از ساعت بزرگ و ناقوسی نام میبرد که بر فراز این سردر قرار داشته . وی چنین می‌نویسد :

«در بالای سردر جای ساعت بزرگی است که مساحت پایه



منظره عمارت عالی قابوکه نالار آن با پرده‌هایی بسته شده و تویپانی که در جلوی این کاخ سلطنتی وجود داشته و همه سیاحان دوران صفویه وجود این تویپا اشاره کرده‌اند (عکس از آلبوم مصور شاردن)

سال ۱۹۰۴ میلادی برابر با ۱۳۲۱ هجری قمری در اصفهان بوده در سفرنامه خود تحت عنوان «سوی اصفهان» *Vers Ispahan* درباره آثارخانه میدان نقش جهان چنین مینویسد:

«پیش از فرارسیدن شب مدت کوتاهی برای من باقی است که در ایام شاه توقف کنم و شاهد منظره تشریفات ساعت مذهبی مغرب باشم. این تشریفات مخصوص بهنگام غروب از پیش از اسلام و از زمان دیانت اولی موبدان است. بمحض اینکه مسجد شاه که در تمام روز آبی است در بر تو آخرین اشعه غروب در این دقیقه مخصوص بنفش رنگ میگردد صدای نثارخانه بلند میشود. طبلها و بوقهای بزرگ که نظیر آنها در هندوستان دیده میشود بمدا در میآیند. از هزاران سال پیش این رسم بوده است و هنوز هم پا برجاست که هنگام غروب بدین وسیله بخورشید درود میفرستند. هنگامی که اشعه آفتاب خاموش میشود این دستگاه موسیقی وحشیانه ناگهان بمدا در میآید. ضربهای بزرگ نواخته میشود. صدای طوفان در این جایگاه

درجهه فوقانی سرد قیصریه در دوپشت بغل، کاشیکاری معرق نفیسی شده که موضوع آن نمایش ستاره قوس است. مورخین مشرق زمین احداث شهر اصفهان را در برج قوس دانسته‌اند و این مجموعه را بشکل نیمه انسان و نیمه ببری که دمش مار بزرگی است در سردر قیصریه نمایش داده‌اند. نیمه انسان در دو تصویر موجود در حال تیراندازی است».

نثارخانه میدان نقش جهان

در دوره صفویه در غرفه‌های فوقانی طرفین سردر قیصریه دستگاه (نثارخانه) استقرار داشته است که همه روزه هنگام طلوع و غروب آفتاب دستهای از نوازندگان بتقلید از یک سنت باستانی با طبل و دهل و بوق و کرنا و آلات و ادوات و سازهای جنگی دیگر قسمتهائی را مینواختند. میرزا حسین خان فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان در کتاب خود بنام (جغرافیای اصفهان) که در سال ۱۲۹۴ هجری قمری تدوین شده راجع به نثارخانه میدان نقش جهان می‌نویسد که طول دوتالار نثارخانه در دو سمت راست و چپ سردر قیصریه باندازه نصف عرض میدان یعنی در حدود ۷۵ متر بوده است. پیرلوتی *Pierre Loti* نویسنده معروف فرانسوی که در

۲۳ - لیور *Livre* مقیاس پول که در ازمنه و نواحی مختلف یکسان نبوده است و نیز مقیاس وزن بوده که تقریباً برابر با چهار کیلو مینده است.

خلوت که تصادفاً کاروانی هنوز در آن باقی ماند می‌بچد و صدای بوق‌ها و کرناها مانند نوای حیوانات وحشی در برابر شکست سپاه نوربگوش می‌رسد. فردا صبح نثاره‌چی‌ها در همین محل امروزی جمع شده و موقع طلوع آفتاب نثاره می‌زنند. در ساحل رودکنگ در هندوستان نیز صبح و شام هنگام طلوع و غروب آفتاب بر این شاه کواکب درود می‌فرستند و نظیر همین صدا دودفعه در روز در بالای شهر بنارس بلند میشود».

تصویرهایی از میدان نقش جهان در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی

توماس هربرت Thomas Herbert سیاح انگلیسی است که در سال ۱۶۲۷ میلادی (۱۰۳۷ هجری) به همراه هیئت نمایندگی انگلیس به ریاست سر دودمور کتون Sir Dodmor Cotton و نندعلی بیگ سفیر ایران در لندن و رابرت شرفی که در همان وقت در لندن بوده است عازم ایران شده و در اوایل سال ۱۶۲۷ میلادی از طریق بندرعباس و لار و شیراز به اصفهان آمده است. هربرت در سفرنامه خود درباره مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران، شهرها و باغها و تاریخ و جغرافی و باستانشناسی سخن می‌راند. سفرنامه مصور او در لندن در سال ۱۶۳۴ میلادی (۱۰۴۳ هجری) به چاپ رسیده است.

قدیمی‌ترین نمایش میدان نقش جهان را نیز هربرت در سفرنامه خود آورده است. «میدان یا بازار بزرگ در اصفهان» نام تصویری است که میدان شاه اصفهان را نشان می‌دهد. این تصویر در نوع خود بی‌نظیر است و مانند یک عکس هوایی از میدان شاه می‌باشد. هربرت روی بام بازار در قسمت شمالی میدان قرار گرفته و این طرح را تهیه نموده است. او خود میدان نقش جهان را ستوده است و می‌نویسد:

«میدان یا بازار بزرگ بدون شك مجلل‌ترین، مطبوع‌ترین بازار در تمام جهان است. طول آن در حدود ۱۰۰۰ و عرض آن ۲۰۰ پا می‌باشد. این میدان شبیه به هرگز بومس اما با شبیه میدان سلطنتی در پاریس است اما شش بار از آن بزرگتر است»^{۲۴}.

دولیه دلاند Daulier Deslandes سیاح فرانسوی که در دوران سلطنت شاه عباس دوم در اصفهان بوده است در کتاب خود بنام «زیبائی‌های ایران» Les beautés de la Perse و ژان توفو Jean Thevenot سیاح دیگر فرانسوی هم که در سال ۱۰۷۴ هجری قمری و در دوران سلطنت همین پادشاه در اصفهان بسر برده است در سفرنامه خود تصاویری از میدان نقش جهان بدست داده‌اند که با حقیقت وفق نمیدهد و بیشتر جنبه تخیل دارد. سفرنامه پل لوكاس هم که در سال ۱۱۱۲ هجری و در دوران سلطنت شاه سلطان حسین در اصفهان بوده است همین کیفیت را دارد و تصویری که از میدان نقش جهان ترسیم کرده است با حقیقت وفق نمیدهد^{۲۵}.

میدان نقش جهان در دوران سلطنت شاه سلیمان

سانسون Sanson سیاح فرانسوی است که در سال ۱۶۸۳ میلادی (۱۰۹۲ هجری) و مقارن یازدهمین سال سلطنت شاه سلیمان به ایران مسافرت کرده و به عنوان مهمان شاه مدتی در اصفهان بسر برده است. وی در سفرنامه خود میدان نقش جهان را چنین توصیف میکند:

«قصر شاه در مغرب میدان بزرگی قرار دارد که در آنجا مردم به خرید و فروش می‌پردازند. این میدان جالب‌ترین میدان مشرق زمین است و بسیار وسیع می‌باشد. طول آن خیلی بیشتر از عرض آن است. شکل میدان مربع مستطیل است و ۷۰۰ قدم طول و ۳۰۰ قدم عرض دارد^{۲۶}. در چهار طرف آن حجره‌هایی رواق مانند ساخته شده است که سبک معماری آنها همانطوریکه در عکس که از میدان کشیده‌ام نمایان است شبیه به ساختمان در ورودی قصر شاه می‌باشد.

در این میدان فرزندان امراء و بزرگان به نمایشات و تمرین‌های مختلف می‌پردازند. از جمله امیرزادگان جوان در این میدان سواره چوگان بازی میکنند و نیزه‌پرانی مینمایند و به تاخت اسب می‌تازند و به انواع چابک سوارها می‌پردازند مثلاً همانطوریکه به سرعت اسب می‌تازند بدون اینکه پای خود را از رکاب درآوردند خود را خم میکنند و نیزه‌ها را از روی زمین جمع میکنند و به آئین پارت‌های قدیم در حالی که چهارنعل اسب می‌تازند و فرار میکنند از عقب تیر از کمان رها می‌نمایند و باز به همین ترتیب در حالی که سرعت اسب می‌تازند روی خود را بر میگرددانند و از پشت سر وسط بشقاب طلائی را که بر سر چوب بلندی در وسط میدان برپا داشته‌اند هدف قرار میدهند و تیر از کمان رها میکنند.

شاه که تمرین تیراندازی را از تالار بزرگ قصر تماشا

۲۴ - برای اطلاع بیشتر از هربرت و ارزش سفرنامه او رجوع شود به جلد اول کتاب «اسناد مسور اروپائیان از ایران» صفحه ۱۲۱-۱۳۰ تألیف دکتر غلامعلی همایون.

۲۵ - رجوع شود به کتاب «اسناد مسور اروپائیان از ایران» جلد اول تألیف دکتر غلامعلی همایون و توصیف میدان نقش جهان از سفرنامه دولیه دلاند ترجمه دکتر محسن سیا در شماره صد و یکم مجله هنر و مردم.

۲۶ - بیشتر سیاحان اروپائی در تعیین ابعاد این میدان دچار اشتباه شده‌اند. اندازه حقیقی میدان نقش جهان بشرح زیر است:

طول شرقی میدان از شمال به جنوب ۵۰۳ متر و طول غربی ۵۰۶ متر. عرض شمالی میدان از شرق به غرب ۱۵۸ متر و عرض جنوبی ۱۵۹ متر.

۲۷ - اکو Ecu پول نقره که معمولاً معادل سه لیور و گاهی هم شش لیور بوده است (لیور Livre نیز مقیاس پول فرانسه بوده که در ازمنه و نواحی مختلف یکسان نبوده است و همچنین مقیاس وزن بوده که تقریباً مطابق با چهارکیلو می‌شده است).

۲۸ - رجوع شود به صفحه ۶۵ و ۶۶ سفرنامه سانسون ترجمه دکتر نفی نضلی.



عسارت نقاره خانه میدان نقش جهان و هیئت نوازندگان در یکی از تالارهای آن و نیونه آلان و ادواتی که برای نواختن بکار میرده‌اند

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 (عکس از دیولانوا)

شده، سمت منشی‌گری و پزشک‌گانی هیئت را به عهده داشته است. کمپفر در سال ۱۰۹۶ هجری به اصفهان رسیده و دو سال در پایتخت ایران توقف نموده و در این مدت فرصت یافته است که شهر اصفهان و بطور کلی مسائل مربوط به ایران را مطالعه نماید. وی در سفرنامه خود تصاویری از میدان نقش جهان و تالار آینه خانه و مراسم شتر قربانی در باغ هزار جریب نشان داده است. از کاخ‌های درباری و مراکز دولتی طرح جالبی تهیه کرده است. کمپفر میدان نقش جهان را باغرفه‌های اطراف و نهرهای سنگی و دروازه جوگان و تیر بلندی که مخصوص قبیله‌اندازی بوده است توصیف کرده و تنها چیزی که در سفرنامه خود به مطالب دیگران می‌افزاید آنست که میگوید شاه سلیمان بعثت خسیس

میکند بهر کس که جام طلا را به زیر می‌آورد جایزه‌ای میدهد و بشقاب طلا را نیز به او می‌بخشد و همچنین برای او چهارصد (اکو) میفرستد^{۳۷} تا وسایل پذیرائی شاه را در منزلش فراهم کند زیرا معمول چنین است که کسی که بشقاب طلا را نشانه میکند شاه برای تشویق او به منزلش می‌رود و در آنجا غذای مختصری صرف میکند. تمام امراء و بزرگان دربار مهارت آن تیرانداز را می‌ستایند و از اینکه افتخار پیدا کرده است که شاه بمنزل او تشریف فرما شود به او تبریک می‌گویند^{۳۸}.

انگلبرت کمپفر Engelbert Kämpfer سیاح آلمانی است که در هیئت تجارتمی که از طرف شارل یازدهم پادشاه سوئد در سال ۱۶۸۲ میلادی برابر با ۱۰۹۳ هجری به ایران اعزام

بودن چندان علاقه‌ای ب ورزش قبیق اندازی نشان نمیدهد .

میدان نقش جهان در دوران سلطنت شاه سلطان حسین

جلی کاری Gemelli Careri سیاح ایتالیایی است که در سال ۱۱۰۵ هجری مقارن با آخرین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمده و ورود او به اصفهان مقارن بوده است با درگذشت شاه سلیمان و جلوس شاه سلطان حسین . وی در سفرنامه خود مراسم سوگواری درگذشت شاه سلیمان و جلوس شاه سلطان حسین را که شخصاً شاهد و ناظر بوده است بتفصیل شرح داده و آنچه را که دیده و شنیده چون نقاشی چیره دست به روی کاغذ آورده است . کاری میدان نقش جهان اصفهان را بشرح زیر توصیف میکند :

« این میدان و اغلب عماراتی که در اطراف آن دیده میشوند به حکم شاه عباس روی ویرانه‌های يك میدان قدیمی که سابقاً مقبر یکی از شاهزادگان ایرانی و سپس دارالحکومه شهر بود بنا شده است گویا میدان قدیمی کوچکتر از میدان کنونی بوده ، دیر پرتالیها که من نیز اکنون ساکن آن هستم در نزدیکی این میدان قرار گرفته است .

طول این میدان از سمت شمال به جنوب درست يك چهارم میل و عرض آن يك هشتم میل است . زیبایی وضع میدان ، تناسب ستونها ، طاقها ، مغازه‌ها ، درها ، پنجره‌های این میدان را با بزرگترین میدانهای اروپا قابل مقایسه میسازد . با توجه به عظمت و ظرافت معماری می توان گفت این میدان از میدان (سن مارك) ونیز باشکوهتر است ، طاقهای میدان سن مارك به وسیله دیوارهایی بسته شده در صورتی که طاقهای این میدان راههای معابد مساجد و عمارات اطراف آنند ، اغلب ساختمانهای اطراف میدان را مغازه‌هایی تشکیل میدهند که صنعتگران زیر دست در آنها مشغول کارند ، بالای مغازه‌ها به طرز جالبی بنا شده اند که عموماً منزل و محل سکونت این هنرمندان هستند . در اطراف میدان جویهای باریکی از سنگ تعبیه شده لیکن به ندرت آب در آنها جریان دارد معمولاً آب قلیلی در که جویها می ماند و می کنند و بوی تعفن به اطراف پخش می شود ، از درختان چناری که شاه عباس به دست خود در این میدان کاشته بود هنوز چندتائی باقی مانده است ، آنتهایی که از بین رفته اند قطعاً در اثر بی مبالائی مأمورین آبیاری بوده که از مراقبت و آب به موقع غفلت کرده اند و پس از خشک شدن آنها نیز چناری تازه نکاشته اند و با از بین رفتن آن چنارها زیبایی میدان از بین رفته است .

دو در باشکوه کاخ شاهی در طرف غرب میدان قرار گرفته ، عالی قابو به خیابانی طولانی باز می شود ، جایگاههایی در آن بنا گردیده که محل تحمّن گناهکاران و جنایتکاران بود و حتی درماندگان و ستمدیدگانی که از طرف حکام مورد ستم

و تعدی قرار می گرفته اند نیز جهت دادخواهی به این محل می آمدند و شاه در این محل شخصاً به شکایات پناهندگان می رسید و حکمرانانی را که از قدرت و مقام خود سوء استفاده می کردند مجازات می نمود ، در آخر این خیابان در بزرگی به چشم می خورد که به در علی (عالی) موسوم است و در آستانه آن سنگ مدوری است که مورد احترام زیاد ایرانیها می باشد . کمی دورتر از این محوطه ساختمان مکعبی شکلی دیده میشود که سه طرف آن باز است ، سقف این ساختمان از جویبهائی ساخته شده که در نهایت صنعت و ظرافت بریده و به طور مخصوصی رنگ آمیزی گردیده اند ، بیست ستون چوبی نقاشی و منبت کاری شده بسیار ظریف نیز در این سقف قرار گرفته اند ، در اطراف این ساختمان صورتهائی به شیوه اروپا ترسیم شده است و در بعضی از آنها جوان زیبایی پیاله ای در دست دارد و این علاقه مخصوص شاهزاده را به شراب نشان می دهد .

در وسط میدان حوضی قرار دارد که فواره های آن با وسیله مخصوصی که آن را به برجهایی می رساند کار می کنند در قسمت آخر این بنا تخت سلطنتی قرار گرفته و شاه می تواند در حال نشسته تمام میدان را در زیر نظر داشته باشد مخصوصاً در جشنها و روزهای رسمی تمام تشریفات را که در این میدان برگزار می شود ببیند .

یکی از این مراسم که در ایران مورد علاقه و توجه عموم است بازی کمان است ، شاه گلدانی زرین بالای درختی نصب می کند سواران به سرعت از برابر درخت می گذرند و چند قدم بعد بر می گردند و تیری به سوی گلدان رها می کنند ، گلدان زرین جایزه کسی است که تیرش زودتر و بهتر به نشانه بخورد . در معمولی دیگری هم به نام در دولت خانه یعنی در عدالت به وسیله چند فوج سرباز محافظت می شود ، این سربازها که عده ای پیاده و عده ای سواره هستند مانند نگهبانان در عالی یکصد و ده عراده توپ دارند که شاه عباس کبیر هنگام راندن اسپانیاییها از هرمز آنها را به غنیمت گرفته است البته به جز نه عراده بتیّه از نیورک اند ، در نزدیکی این درب در دیگری قرار دارد که قرینه در ورودی است و به تقلید از آن ساخته شده و در مودباک یا (مطببخ) نام دارد ، تمام مواد غذایی مورد نیاز از این در وارد کاخ می شود . در نزدیکی این بنا ساختمان دیگری قرار گرفته که متعلق به خزانه دار بزرگ می باشد ، موقعی که من در اصفهان بودم صاحب این عنوان عالی - خزانه دار بزرگ - خواجه سفید پوستی بود که کلید مخازن دولتی را در تحویل داشت ، وی هرگز به جز موارد نیاز دولت دست به آنها نمی زند ، مخزن مخصوصی که مواجب سربازان از آنجا پرداخت می گردد در این نزدیکی و جدا از خزانه بزرگ است ، عایدات شخص شاه از محصول و اجاره باغها ، کاروانسراها و مستغلات خود به این خزانه بزرگ تحویل می گردد ، این نکته بسیار جالب



تصویر میدان نقش جهان در سفرنامه توماس هربرت

و کسبه و روستائیان است، مردم برای خرید میوه، سبزی، مرغ، بوقلمون و سایر اجناس روی به میدان می‌آورند، در سرتاسر بازار معازه‌هایی است که در آنها کالاهای مختلفی

۲۹ - کوچه پشت مطبخ هنوز هم به همین نام وجود دارد و محل رفت‌وآمد عابرین و وسایط نقلیه است.

توجه است که شاهزادگان مسلمان وجوهی را که از بابت مالیات و یا جریمه و غیره جمع‌آوری می‌شود غیر عادلانه می‌دانند و کمترین دیناری از آن برای خود خرج نمی‌کنند، این موضوع تقریباً عمومیت دارد به طوری که مغول بزرگ با وجود اینکه متجاوز از هشتاد سال دارد با دست خود عرق‌چین‌هایی می‌یافت و آنها را به رسم هدیه به امرا و بزرگان می‌فرستد که غالباً در مقابل این افتخار به طوع یا کره مبلغ بیست تا سی هزار اکو سکه طلا به عنوان پیشکش برایش می‌فرستند، درست در مقابل در مطبخ^{۲۹} ساختمان بزرگی بنا شده که صنعتگران مختلف زیادی در آن مشغول کار هستند، در این میان عدای صنعتگر فرانسوی نیز برای شاه کار می‌کنند، درهای دیگر متعددی هم در اطراف کاخ دیده می‌شود که یکی از آنها دور از انظار و برای این تعبیه شده که پادشاه هر وقت اراده نمود از آن در به مسجد شاه برود. در قسمت جنوبی این میدان زنگ ساعت بزرگ هرمز قرار دارد که مسیحیان میسیونر او گوستین آنرا به شاه عباس بزرگ تقدیم نموده‌اند.

مسجد شیخ لطف‌الله در جانب مشرق قرار گرفته و گنبد بزرگ آن از کاشیهای رنگارنگ پوشیده شده است، مسجد شاه در قسمت جنوبی میدان واقع شده و جلوخان وسیع بسیار زیبایی دارد، در دو طرف این جلوخان دو مناره تعبیه شده که بالای آنها به قسمت عمامه شکل ختم می‌گردد.

از این در بزرگ به حیاطی وارد می‌شود که تقارن کاملی ندارد.

طاقهای دورتادور این حیاط با کاشیهای رنگارنگ تزیین یافته است. در دومی که روی آن پارچه‌های کوچک و بزرگ تکره کوبیده شده به داخل مسجد باز می‌شود. درون مسجد نقش و نگار طلائی و تزیینات عربی زیبایی دارد و با گنبد آراسته اعجاب‌انگیزی پوشیده شده و کف آن با بهترین فرشهای نفیس بافت ایران مفروش گردیده است. در وسط میدان روزهای معمولی در فاصله بین مسجد و تیر چوبی مسابقه جمعی چوب وزغال می‌فروشند، در قسمت مشرف به زنگ ساعت آهن آلات و زین افزار و در قسمتی دیگر فرش کهنه خرید و فروش می‌شود.

در اطراف مسجد شیخ لطف‌الله دکه‌هایی قرار دارد که در آنها مرغ بریان و گوشت کوبیده پخته به فروش می‌رسد، در بقیه قسمتهای میدان مخصوصاً نزدیک‌های کاخ شاهی ازدحام و اجتماع و خرید و فروش سرپائی کاملاً قدغن است. این محوطه دارای محل مخصوص برای گاو بازاری و متابله یا حیوانات وحشی است. پادشاه اینگونه سرگرمیها را دوست دارد. علاوه بر اینها عدای ریسمان باز شید و مسخره نیز با ادا و حرکات خود مردم را سرگرم می‌سازند.

روزهای جمعه میدان جلوه خاصی دارد، پر از اصناف



تصویری از میدان نقش جهان و کاخهای شاهی که بین این میدان و خیابان چهارباغ قرار داشته است (از سفرنامه انگلبرت کمپفر)

فتیر مهرهای ظریفی ازسنگ می تراشند ، قسمتی نیز مخصوص کار قهوه چیهاست ، مردم برای صرف قهوه وقلیان بدانجا می روند ، این محل علاوه بر استراحتگاه بودن چشم انداز خوبی هم دارد و مشرف برحوضی است که آب زلالی دروسط آن درفوران است . اغلب مردم تنگ قلیان خودرا با آب تمیز وخنک این حوض پر می کنند ، این محل بانوق عده ای از اهالی شهر به ویژه درویشهایی است که با صدای منکر خود صبح تا شام برای گرفتن پول از مردم داد می کنند .
تجارتخانه ودکاکین آرامنه در کاروانسرای کوچک خود آنهاست که در نزدیکی میدان واقع شده است ، کمی دورتر

به فروش می رسد . قسمتی از آن اختصاص به چرم سازی و فروش انواع وسایل چرمی دارد ، دریک قسمت مشکهای کوچکی فروخته می شود که آنها را برای حمل آب زیر شکم شترها می بندند ، در نزدیکی آن تیروکمان و شمشیر و ادویه فروخته می شود .

در کاروانسراها تجارتخانه های بزرگی وجود دارد ، بازاری نیز مخصوص فروش وسایل سفر است ، تمام قسمت غربی میدان از در مسجد تا زاویه غربی مخصوص کتابفروشها و صحافهاست ، در چند دکان نزدیک کاخ ظروف بلورین ساخت نورمبرگ و ونیز فروخته می شود ، بین دو در کاخ آرامنه

کاروانسرای بزرگی قرار گرفته که به امر مادر شاه عباس دوم بنا گردیده ، دو طبقه ساختمان و حوضی در وسط حیاطش دارد سابقاً در هر چهار گوشه آن دری وجود داشت ولی اکنون فقط دو در باقیمانده است ، گویا درها به کاروانسرای دیگری باز می شود ، این کاروانسراها که اغلب از طرف شاه و افراد خانواده و بستگان وی تأسیس یافته اند مناسبترین محل برای اقامت مسافران و بازرگانان می باشند و گرچه گرایه آنها از سایر کاروانسراها کمی گراوتر است اما ساکنان آنها از امن و راحت بیشتر برخوردارند و اگر چیزی از آنها کم شود کاروانسرا دار مسئول جبران آن می باشد ، حراست و نگهبانی میدان شبها به عهده جمعی از محافظان است و حراست بازار نیز مثل حراست بازارهای سایر شهرستانها صورت می گیرد .

بازار بزرگ در گوشه جنوب غربی میدان واقع شده ، در این بازار انواع لباسها و کفشهای چرمی به فروش می رسد به بازار دیگری نیز متصل می شود که در دکانهای دو طرف آن صنعتگران مختلف مشغول کارند . اغلب ظروف مسی می سازند ، رنگرزان هم در این بازار مغازه دارند . کاروانسرائی در پایان آن قرار گرفته که مرکز فروش ادویه ، اقسام عطر و وسایل چرمی به شمار می رود . در قسمت شمالی بازار مغازه های اسلحه فروشی و وسایل ظریف آهنی ، برتری و مسی قرار دارد . در مغازه های کوچک نزدیک درب ورودی سنگهای قیمتی معامله می شود و در بالای مغازه ها اطاق طولانی و بزرگی وجود دارد که هر روز عصر جمعی در آن با کرنای و تنبور و دهل و سایر آلات موسیقی مثل سایر شهرها آهنگ ناخوشایندی می زنند ، کمی دورتر دوستون به ارتفاع هفت پالم و به فاصله همان اندازه به نظر می رسد که چند تن سوار اسب می کوشند به ضربت چوب تویی را از وسط آن دوستون بگذرانند ، نخستین کسی که توپ یا گوی را از آن میان به در برد برنده است ، از دربی که ذکر آن رفت وارد بازار کوچکی می شویم که در آن پارچه های زربفت و تفرقه بافت و ابریشهای اعلای هندی به فروش می رسد . از مسجد شاه تا زاویه جنوبی میدان کارگاه خراطان ، نجاران و منبت کاران قرار گرفته ، چند دکان متفرقه آهن آلات فروشی و حلاجی در این میدان دیده می شود^{۳۰} .

سیاح مشهور دیگری که در دوره سلطنت شاه سلطان حسین به اصفهان آمده و از خود سفرنامه ای باقی گذاشته است کورنلیوس لوبرون (Cornelius de Bruyn) یا (Corneille le Brun) هلندی است که ورود او به اصفهان در ۱۴ رجب سال ۱۱۱۵ هجری مطابق با نهمین سال سلطنت شاه سلطان حسین اتفاق افتاده و چنانکه خود او نوشته است در کاروانسرای معروف (جده) متعلق به مادر شاه سلطان حسین منزل کرده است . وی تماویر جالبی از آثار و ابنیه مهم ایران فراهم آورده و با اجازه پادشاه تمویری هم از خود وی نقاشی کرده است .

سفرنامه این جهانگرد که در سال ۱۷۱۸ میلادی در شهر آمستردام به چاپ رسیده حاوی اطلاعاتی درباره آثار تاریخی اصفهان از آنجمله میدان نقش جهان است ولی توصیف وی از میدان نقش جهان بطوریکه نگارنده در سفرنامه او مطالعه نمود تکرار مطالبی است که دیگران از سیاحان دوره صفویه هم نوشته اند ، مضافاً اینکه این سیاح درباره تعیین ابعاد و جهات چهارگانه میدان نقش جهان دچار اشتباهاتی هم شده است ، مثلاً طول میدان را از شرق به غرب و عرض آنرا از شمال به جنوب ذکر میکند در حالیکه طول میدان شمالی جنوبی است و عرض آن از مشرق به مغرب است ، همچنین قصر شاه را در جنوب میدان ذکر میکند در صورتیکه در مغرب میدان بنا شده و مسجد شاه را در مغرب میدان معرفی میکند در حالیکه در جنوب میدان قرار دارد . در تعیین محل عمارت ساعت هم اشتباه میکند و آنرا در شمال میدان قرار میدهد در صورتیکه عمارت ساعت جنب مسجد شیخ لطف الله بنا شده بوده است و شاردن بخوبی این عمارت را در طرح خود از میدان نقش جهان نشان میدهد .

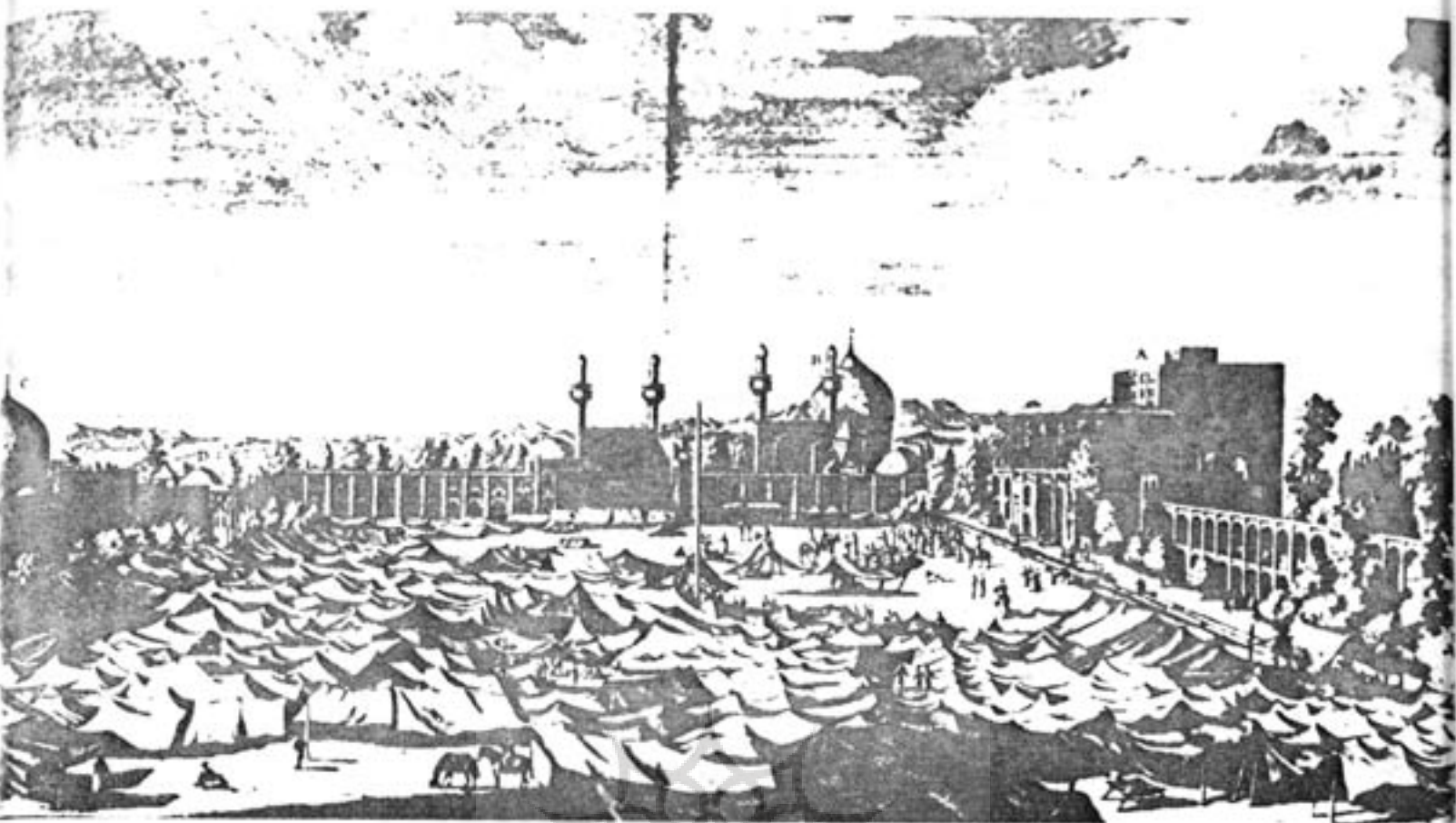
میدان نقش جهان در دوران قاجاریه

اوژن فلاندن Eugène Flandin سیاح و نقاش فرانسوی است که با اتفاق معمار و باستانشناس فرانسوی پاسکال کست (Cost) در سال ۱۸۴۰ میلادی برابر با ۱۲۵۵ هجری اصفهان را دیده و توصیف کرده اند . فلاندن درباره میدان نقش جهان چنین می نویسد :

در ناحیه جنوب شهر است که جمیع ابنیه عمده را برپا ساخته اند . در این قسمت محلی بزرگ با اسم میدان شاه یا محل سلطنتی وجود دارد که در یک طرف آن گنبد و مناره های مسجد بزرگ بر شکوه این میدان افزوده ، دروازه های بازارها از اطراف بدان گشوده شده و در سمت دیگر قصری بلند دیده می شود . قسمتهای دیگر از غرفه های مشابه تشکیل یافته که منزلگاه تجار و میرزاهای وابسته فرماندار و سربازان و غلامان است ، این مکان که یکی از باشکوه ترین امکانه عالم است فضای مستطیلی شکل و در درونش مستطیل دیگری است که دورش را جوی آبی احاطه کرده است ، مابین این نهر و اطراف آنرا درختان چنار کاشته اند ولیکن هر کدام را که جهت ساختن پایه توپ قطع کرده اند بجایش درختی نشانده اند و تنها باید افسوس خورد چه در موقع گرمی هوا غیر ممکن است شود از این میدان گذر کرد .

قسمت اعظم میدان را اکنون تجار خارجی که تجارت ماکولات یا تجارت های موسمی مینمایند اشغال نموده اند ، این

۳۰ - سفرنامه کاری ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالملی کارنگ چاپ تبریز صفحه ۷۷ تا ۸۳ .



منظره میدان نقش جهان در دوران سلطنت شاه سلطان حسین در روزی که بازار عمومی در این میدان دایر بوده است (از سفرنامه کرنلیوس لوبرون)

در گوشه‌ای در اوش بدمح علی و نقالان قصائد و غزلیاتی از دیوان حافظ و گلستان (شاهکار سعدی) و شاهکارهای فردوسی رستم و سهراب (هر کول یا رولاند ایرانیها) میخوانند.

در وسط این میدان که فروشندگان و خریداران پیوسته باین طرف و آنطرف رفت و آمد میکنند همه و غوغائی برپاست. در دهکده‌ای که میزبان تحریر میز یا پاسبان این میدان قرار دارد بدورش فراشان قرار دارند که اشخاصی دونهت و کسانی را که مزاحم مردم میشوند مجازات میکنند.

این نوع بازار که در هوای آزاد دایر است متعلق به تاجرین بیچاره است که وسایل و قدرت اجاره کردن دکان ندارند. معهذاً امکان این بازار مجانی نیست و تماماً جهت بساطی که میگیرند اجاره می‌پردازند، گرچه تائیکشاهی هم کرایه میدهند ولی رویهمرفته عایدات این میدان روزی چهار پنج فرانک است. این مالیات بنفع مسجد شاه و یکی از بهترین عایدات می‌باشد، چه تجاری که در این محل کسب میکنند زیاد متمول نیستند و بعلاوه بعلت کمی اعتمادی که بآنها دارند گیرندگان مالیات بطور روزانه یا چند روزی کمتر از یک هفته کرایه‌ها را دریافت میدارند. در شب کلیه بساطاندازان اناثیه خود را برچیده

محل یکنوع بازار دائمی است که بیچارگان و فقرا لباسهای کهنه و کم‌قیمت خود را جهت فروش بدان محل می‌آورند. در این بازار کهنه چینان، دواتگران، میوه‌فروشان و غیره چادرهای بزرگ برپا کرده‌اند و زیر آن چادرها تکه‌های قالی یا حصیر پهن است و بر روی لباس‌فروشان، ابلجه‌کهنه، زنگ‌خورده، زینها، خیار، انگور، میوه‌های خشک و بسیاری چیزهای دیگر انباشته شده‌اند. کمی دورتر مالداران یا شترداران هستند که سعی دارند اوصاف اسب‌ها و شتران را از حیث قوت و جسوری و غیره پیوسته جهت مشتریان با آب و تاب نقل بنمایند. در طرفی دیگر صدای چکش نعلبندان شنیده می‌شود، در میان این میدان خروشان چندین دکان چادری وجود دارد که محل اطباء و نویسندگان است. اکنون دارو و فروشان هم در این محل داروهای را که مهیا نموده‌اند بفروش میرسانند. نزدیک این محل آشپزان مشغول طبخ هستند و پیوسته سیخ‌های کباب را بر روی اجاق کوچکی قرار میدهند. در این مهمانخانه - هائیکه در هوای آزادند از هر قبیل خوردنی موجود است از جمله پلو، گوشت کباب شده، خیارها یا سالاد، خرما، انگور و غیره، خلاصه با مخارج کمی میتوان غذای لذیذی تهیه کرد.



منظره میدان نقش جهان در دوران سلطنت شاه سلطان حسین . دورنمای عمارت عالی قابو و مسجد شیخ لطف الله و سردر قیصریه در این تصویر دیده میشود (عکس از سفرنامه کرتلیوس لوبرون)

دو عمارت نیمه خراب دیده میشود که میگویند در زمان شاه عباس رامشگران ترك و فارس در آنها بنغمه سرائی میبرداخته اند ، چون از بالاخانه ها یعنی محل ارکستر سلطنتی نگاه کنیم تمام میدان دیده میشود . در اطراف آن مجرای آبی با سنگ مرمر دوار میزنند و مانند کمر بندی آنرا احاطه میکنند . این میدان از بالای عمارت منظره بسیار باشکوهی دارد ، وسعت زیاد آن و قرینه بودن ساختمانها بی اندازه جالب توجه و قابل ملاحظه است ، این امتیازات و خصائص که نتیجه ذوق و سلیقه معماران میباشد نه تنها این میدان را بر تمام عمارات شرقی برتری داده بلکه در موقعی که ساخته شده در اروپا نظیری نداشته است ، آثار و علامات برجسته آن سلیقه عالی شاه عباس کبیر را بخوبی نشان میدهد و میسراند که این مرد بزرگ دارای هوش فوق العاده و فکر بلند بی نظیری بوده است ، ملندی فکر او از ترسیم خیابان زیبای چهارباغ و بیست کاخ رفیع که در حاشیه آن خیابان واقع بوده است کاملاً مشهود میگردد ، آیا حیرت آور نیست که در اواخر قرن شانزدهم در مملکتی که در آن صنعت و هنر چندان رونقی نداشته است انبیهای بوجود آید که از حیث نظم و ترتیب دارای خصائص معماری قرن هفدهم فرانسه باشد و تاکنون

بدورش چادر می زنند و آنها را بمحافظین و یا پاسبان میسپارند . سابقاً دورتادور میدان شاه مغازه بوده لیکن امروز بنصف رسیده و تعداد تجار دوره گرد روز بروز تنزل می یابد . اکنون مقدار زیادی از این میدان بایر است که مالداران مالهای خود را بجولان آورده نمایشاتی از قبیل یورش و غیره میدهند تا چابکی و استقامت اسبهایشان را جلوه گر سازند .

دیولافوا Mme. Dieulafoy سیاح فرانسوی که از سال ۱۸۸۱ میلادی برابر ۱۲۹۸ هجری به بعد ایران را سیاحت کرده ومدتی در اصفهان بسر برده است در سفرنامه خود درباره میدان نقش جهان چنین می نویسد :

« ۹ سپتامبر قبل از طلوع آفتاب قافله کوچک ما وارد میدان شاه شد ، این میدان وسیع که با شاه عباس کبیر در سال ۱۵۸۰ ترسیم یافته بشکل مربع مستطیل است و تقریباً مساحت آن ده هکتار میشود و از بازارهای مجلل و باشکوهی احاطه شده است .

مخصوصاً بازار خیاطان آراسته ترین بازارهای ایران است . یک درب هم که موسوم است به در قاره خانه این بازار را با میدان ارتباط داده است . در طرف چپ و راست قاره خانه

در مقابل پادشاه ستارگان که پیوسته مایل بویران کردن آثار تاریخی است مقاومت بخرج داده و از جلوه گری خود نکاسته باشد؟ در مقابل این شکوه و جلال بالضروره انسان از خود می پرسد که آیا روح معماران امپراطوری رم قبل از دخول در وجود غریبان در وجود معماران چهارباغ و ابنیه میدان شاه حلول نکرده است؟

من احتیاجی ندارم که مانند فیثاغورث یونانی در حل مسئله مهمی تلاش کنم بلکه کاملاً برای من مکشوف است و می توانم با نهایت اطمینان بگویم که در دنیای متقدم امروز هیچگونه بنائی وجود ندارد که بتواند از حیث وسعت و زیبایی و تئارن عمارات شایسته مقایسه با این میدان باشد. این عقیده شخص من نیست، سایر اروپائیان هم که در فن معماری و مهندسی تخصص دارند با عقیده من همراهند. سیاحانی که از قرن هجدهم به بعد بایران آمده اند و این ابنیه را دیده اند همه متفق القول هستند که در هیچیک از شهرهای مهم اروپا مجموعه ساختمانی نیست که قابل مقایسه با میدان شاه اصفهان باشد.

اولین دفعه که از میدان شاه عبور کردم چنین بخاطرم آمد که از میدان سنت مارک و نیز عبور میکنم زیرا که آن میدان هم مانند این میدان دارای عماراتی است که در جلوی آنها طاقماهایی ساخته شده و در دو انتها متصل بمعاقدی میشوند. مسجد شیخ لطف الله در طرف چپ مسجد شاه واقع و وضع آن محل ساعت بزرگ و نیز را بخاطر می آورد و در طرف راست آن بجای مناره ناقوس کلیسا کاخ رفیع عالی قاپو واقع شده است. بعقیده من نباید باین مقایسه پرداخت زیرا که بزبان ایتالیا تمام خواهد شد. کجا در ایتالیا میتوان تماشای آسمان صافی پرداخت که اشعه زرین آفتاب بر روی کاشیهای قشنگ فیروزمزی با اشکال زنبقهای ماریچی سفید و زرد مرتعش باشد، آفتاب پرده زرین طلائی بر روی تمام این بناها انداخته است. شتران زیادی در این میدان هستند که با آن قد بلند در این محوطه گم شده اند. آثار عجیب بل آن گوناگونی بلند قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب آن در بالای عمارت آثار خانه برسم نیاکان باستانی خود با آفتاب که بزرگترین نماینده قوای زنده طبیعت است سلام میدهند.

هانری رنه دالمانی Henry-René d'Allemagne سیاح فرانسوی که در سال ۱۹۰۷ میلادی برابر با ۱۳۲۴ هجری بایران آمده و متارن اعلام مشروطیت ایران، اصفهان را دیده است در سفرنامه خود تحت عنوان از خراسان تا بختیاری در مورد میدان نقش جهان چنین نوشته است:

«خلاصه ما از باغهای بزرگی که کاخ سلطنتی در آن واقع شده عبور کردیم و به میدان شاه رسیدیم که نظیر آن در دنیا دیده نمیشود، این میدان که بشکل مستطیل و بطرف شمال و جنوب ممتد است در مرکز شهر واقع شده، طول آن تقریباً ۳۸۶ متر

و عرض آن ۱۴۰ متر است^{۳۱}. در چهار سمت این میدان بزرگ چهار جلوخان مجلل دیده میشود، درست جنوب جلوخان مسجد شاه و درست شمال جلوخان بازار است که ارتفاع آن زیادتر از دیگران میباشد. درست مشرق جلوخان مسجد شیخ لطف الله با گنبد بلند و باشکوهی خود نمائی میکند و درست مغرب جلوخان عالی قاپو واقع است که مدخل قصور سلطنتی بوده و ما در فوق بشرح آن پرداختیم، این چهار جلوخان با سردهای مجلل زیبا و خوش نما تقریباً بطور قرینه در چهار طرف میدان دویدند در مقابل یکدیگر واقع گردیده اند، در اطراف میدان هم حجرات بزرگ دوطبقه ای دیده میشود که پارهای از آنها مسدود و با گچ سفید شده و طاقماهایی را تشکیل میدهد و پارهای هم باز است که برای انبار یا طویله یا قهوه خانه از آنها استفاده میشود.

در دوران سلطنت صفویه درهای تمام این حجرات بطرف میدان باز میشده و تجار و کسبه در آنها مشغول کار بوده اند، در جلو این حجرات جدولی از سنگ مرمر در میدان دور میزدند که اتصالاً آب در آن جریان داشته و درختان چنار آراسته صفوفی تشکیل داده و بر شکوه و ابهت این میدان می افزوده است. اکنون اغلب این حجرات خراب و متروک مانده و از درختان هم اثری برجای نمانده است. ظل السلطان در زمان اقتدار خود تمام این حجرات را سربازخانه کرده بود.

در آغاز قرن نوزدهم یعنی در سال ۱۸۰۹ یکی از سیاحان اروپائی بنام موریه (Morier) این میدان را دیده و می نویسد که تمام درختان آنرا از ریشه در آورده و بجای آنها درختان چنار و تبریزی تازه ای نشاندند که سایه مطبوعی ندارد و میدان دارای آن نظم و ترتیب و منظره ای که شاردن شرح میدهد، نیست»^{۳۲}.

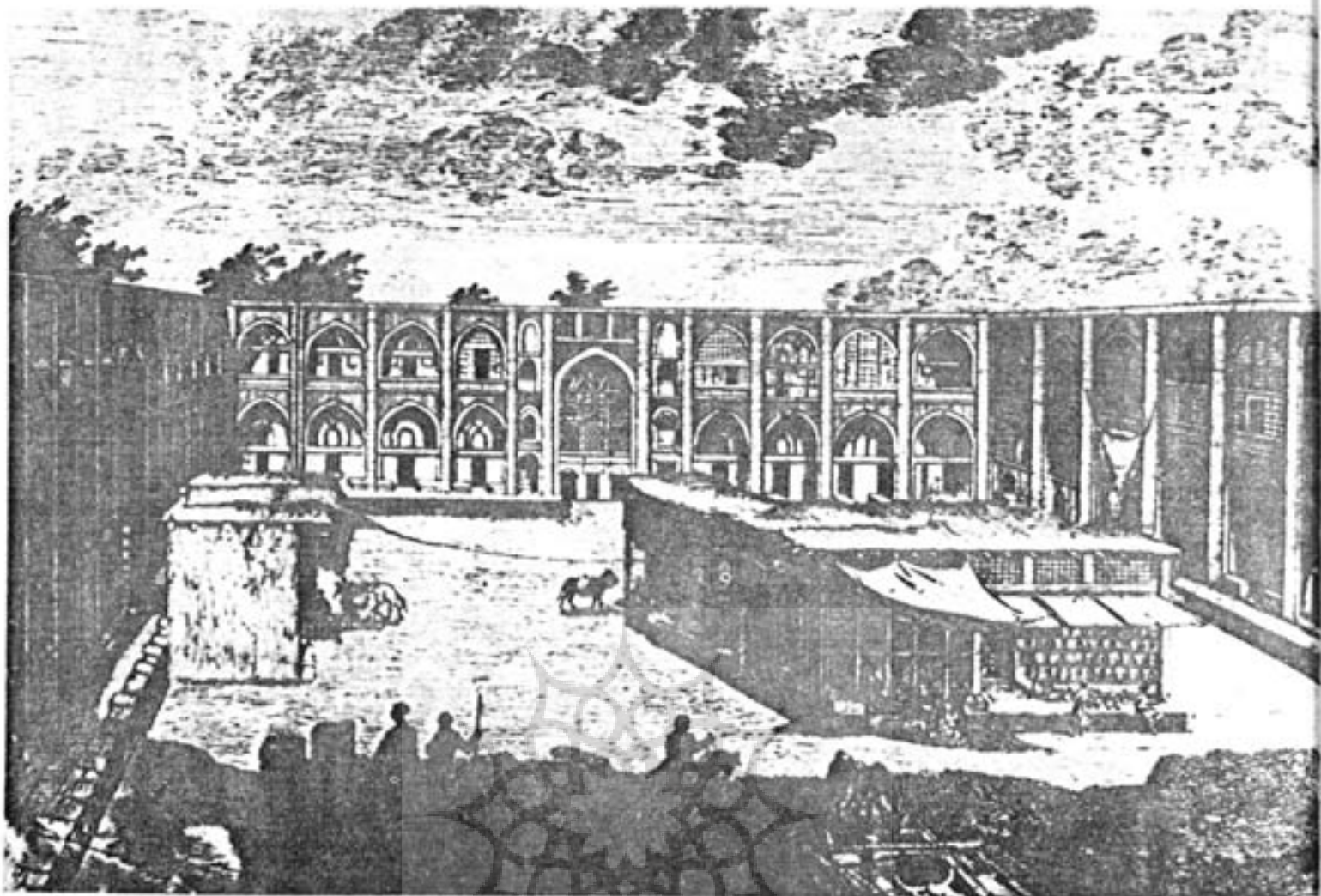
پیر لوتی Pierre Loti سیاح و نویسنده فرانسوی که در سال ۱۹۰۴ میلادی برابر سال ۱۳۲۱ هجری قمری به ایران سفر نمود و مدتی در اصفهان بسر برده و سفرنامه خود را تحت عنوان بسوی اصفهان^{۳۳} برشته تحریر در آورده است درباره میدان نقش جهان چنین می نویسد:

«این میدان مربع مستطیل کاملی است که در اطراف آن ساختمانهای مرتب سرپا است و بقدری وسعت دارد که کاروانها، قطارهای شتر و کالکها و هر چه اکنون از آن عبور میکند در زیر آسمان زیبای بی نظیر ناچیز بنظر میرسد. دیوارهای

۳۱ - این سیاح نیز مانند اکثر جهانگردان اروپائی نتوانسته ابعاد حقیقی میدان نقش جهان را تعیین نماید.

۳۲ - سفرنامه از خراسان تا بختیاری تألیف هانری رنه دالمانی - ترجمه فارسی - صفحه ۹۲۶.

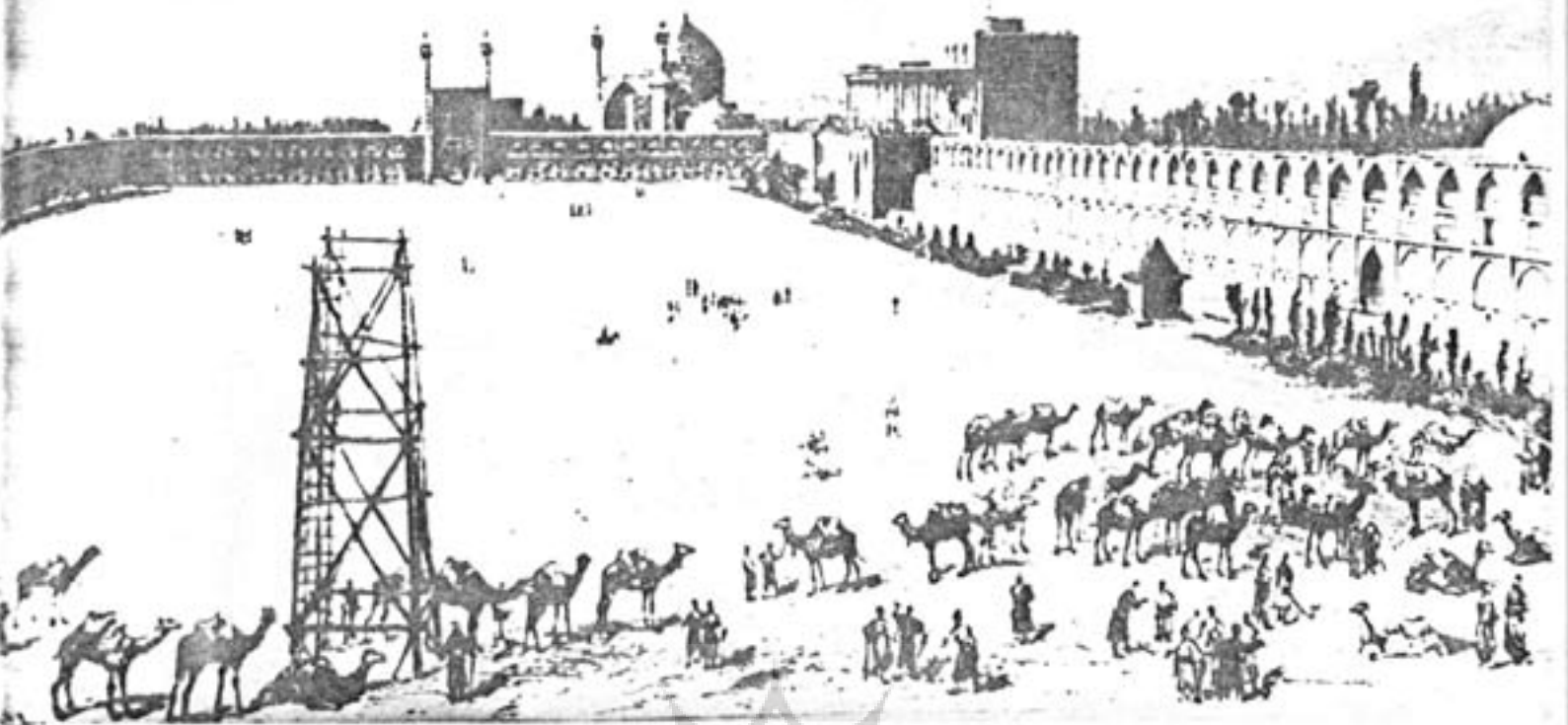
۳۳ - Vers Ispahan



کاروانسرای جده که کرنلیوس لوبرون سیاح هلندی در دوران سلطنت شاه سلطان حسین در آن منزل کرده است (عکس از سفرنامه کرنلیوس لوبرون)

بعضی روی زمین و دسته‌ای روی نیمکت‌هایی که از بهنای جوی گذارده‌اند اما بهتر خنکی آب محسوس شود نشسته‌اند، صدها مردم و انواع حیوانات در این میدان در حرکت هستند ولی از صبح بزرگ است بر نمی‌شود، وسط میدان تقریباً همیشه خالی و کاملاً روشن است، اسب سواران زیبا در این مکان اسبهای خود را چهارنعل می‌برند، چهارنعل رفتن ایرانیها طوری است که بگردن اسب خمیدگی مخصوص می‌دهد که شبیه بگردن قو میگردد، عده‌ای از مردم که عمامه بردارند پس از ادای فریضه صبح از مسجد بیرون می‌آیند، این جمعیت در آغاز در سایه سردرهای بزرگ آبی‌رنگ ظاهر شده و سپس در پرتو نور خورشید متفرق میشوند، شترها بملایت دسته‌جمعی حرکت میکنند، دسته‌های الاغ‌های کوچک که بارهای بزرگ در پشت آنها دیده میشود عبور میکنند، خانم‌های سپاهپوش بر الاغ‌های سفید سوار و گردش میکنند و ترکه‌های قشنگی از پارچه‌های مخمل که اطراف آن شراپه‌هایی با ملا در دست کرده‌اند در دست دارند. با این وجود این جمعیت و لباسهایی که امروز دیده میشود نسبت با آنچه در زمان شاه‌عباس بزرگ دیده میشده بسیار ناچیز است، در آن زمان تمام ملاهای آسیا بسوی اصفهان می‌آمدند.

بازارهای مستقیم که دوطرفه طاقنا‌های رومی در آنها روی یکدیگر قرار گرفته و رنگشان خاکستری مایل به قرمز است و تا چشم کار میکند امتداد دارند تقریباً چهار ضلع اصلی میدان را تشکیل میدهند ولی استقامت خطوط اصلی این مستطیل‌گاهی با بناهای عالی و عجیب که سر تا پا مینائی رنگ است و از اطراف مانند قطعات چینی گرانبهائی جلوه میکند قطع میگردد. آنجا در انتهای میدان در مرکز یکی از اضلاع مستطیل، مسجد شاه که با رنگ آبی لاجوردی و فیروزه‌ای جلوه گراست قرار دارد. گنبدها، سردرها، ملاقاتی غیر متناسب و چهارمناره که مانند دوتک‌های عظیمی در آسمان بالا رفته همه آبی رنگند، در طرف راست و در وسط، قمر شاهنشاه بزرگ شاه‌عباس قرار دارد که ستون زیبای اصلی آن بسبک قدیم آشوری بوسیله یک نوع پایه که سی پا ارتفاع دارد برپا شده و دنباله آن مانند چیز بسبک هوائی در فضا قطع میگردد. اطراف این میدان بزرگ در جویبهائی که از مرمر سفید ساخته شده جویبارهای زلالی که از راههای بسیار دور می‌آیند جاری است و در طرفین آنها دو رشته درخت با گل سرخ وجود دارد و آنجا در زیر چادرها یک عده مردم تنبل مشغول تفکر و صرف قلیان و چای هستند.



منظره میدان نقش جهان در اواسط دوران قاجاریه (عکس از دیولافوا)

توصیف میدان نقش جهان از سفرنامه فردریک چارلز ریچاردز^{۳۴}

فردریک چارلز ریچاردز که در سال ۱۸۳۰ میلادی برابر با سال ۱۳۴۸ هجری قمری در اصفهان بوده در کتاب سفرنامه خود تحت عنوان (یک مسافرت ایرانی) A Persian Journey در مورد میدان نقش جهان اصفهان چنین مینویسد:

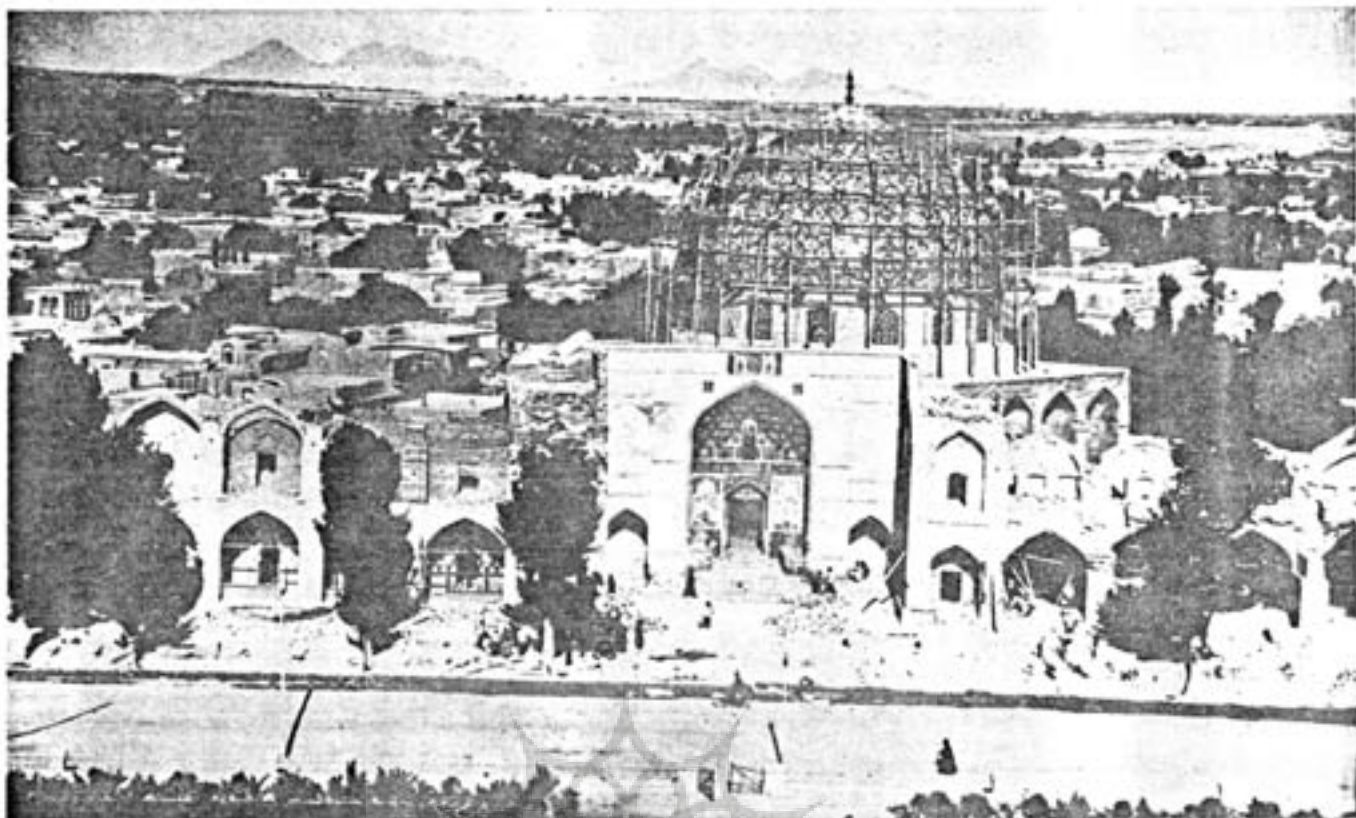
«طرح عالی میدان شاه که درازای آن تقریباً یک سوم میل و پهنای آن یکدهم میل است، در اولین نظر نشان میدهد که شالوده‌ای که نقشه شهر بر آن تنظیم گردیده تاچه حد وسیع بوده است. مسجد شاه و عالی قاپو و مدخل بازار بزرگ و مسجد شیخ لطف الله با گنبد زیبای آن زینت بخش این میدان باشکوه میباشد. تمام این ساختمانها که در اطراف میدان واقع شده است بوسیله طاق نماهایی که نمای خارجی بازار را تشکیل میدهد به یکدیگر متصل شده و آنرا بصورت یکی از با عظمت ترین میدانهای جهان در آورده است. گرچه از لحاظ توجه و مراقبتی که نسبت به آن مبذول میگردد نسبت به سایر میدانها در مرتبه آخر قرار دارد.

در حضور شاه عباس زنده دل بود که نخستین بار در این میدان چوگان بازی کردند و طرح این میدان با اندازه‌ای در طرز

اجرای این بازی مؤثر واقع گردید که زمینهای ورزشی (هارلینگام) و سایر زمینهای ورزشی کم و بیش از روی این میدان ساخته شدند. ستونهای دروازه چوگان در زمین بازی میدان شاه از سنگ سخت ساخته شده و هنوز باقی است. درازای این زمین ۵۶۰ یارد (حدود ۵۱۱ متر) و پهنای آن ۱۷۰ یارد

^{۳۴} فردریک چارلز ریچاردز Frederick Charles Richards عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان سال ۱۸۷۸ در نیویورک New Port در انگلستان متولد گردید و در ۲۷ مارس ۱۹۳۲ در سن ۵۴ سالگی درگذشت. وی در کالج سلطنتی هنرهای زیبا عضویت داشت و در آنجا تدریس میکرد. آثار هنری او در موزه ویکتوریا و آلبرت و طالع هنرهای زیبای نیویورک و چندین موزه دیگر نگاهداری میشود. در شرح حال او نوشته اند چنانچه فقط به نقاشی نمی پرداخت در نویسندگی بسیار مشهور میشد.

مجله Now and Then در یکی از شماره‌های خود طی مقاله مبسوطی سفرنامه وی را چنین توصیف کرده است: فردریک ریچاردز با چنان مهارت و استادی زیبایی‌های ایران را با قلم آورده که حقیقتاً شگفت‌انگیز است. در واقع با همان سهولتی که مداد نقاشی را بکار می برد از کلمات و عبارات نیز استفاده مینماید. نیرومندی و سختی و خشکی صحاری ایران، شکوه و عظمت سلسله کوه‌های آن، آرامش و زیبایی باغها و جنبش بازارهای آنرا چنان توصیف میکند که خواننده خود را در مقابل آنها می بیند.



این عکس معترف اولین گامی است که در آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر بمنظور تعمیر گنبد زیبای مسجد شیخ لطف الله و ضلع شرقی میدان نقش جهان برداشته شده. آثار خرابی و ویرانی در غرفه‌های طرفین مسجد شیخ لطف الله و اطراف گنبد و دیوارهای میدان شاه مشاهده میشود. این یک نمودار بارزی است از وضع اسفناک آثار نفیس تاریخی اصفهان در اواخر دوره قاجاریه

کرایه دادن هر یک از آنها در مقابل مبلغی کمتر از نصف پنی^{۳۵} برای خود ثروتی گرد آورده است.^{۳۶}

وضع اسفناک میدان نقش جهان و سایر آثار تاریخی اصفهان در اواخر عهد قاجاریه

در تمامی دوره سلطنت قاجاریه غیر از اقداماتی که بوسیله حاج محمدباقر حسین خان صدراعظم اصفهانی در دوران سلطنت فتحعلیشاه نسبت به تعمیر و ترمیم آثار دوره صفویه در اصفهان بعمل آمد اقدام اساسی دیگری برای حفظ و نگاهداری این آثار صورت نگرفت و بالنتیجه مقارن مشروطیت ایران آثاری مانند هفت دست و آینه خانه و نمکدان و سردر باغهای چهارباغ و عمارات داخل باغها دیگر وجود خارجی نداشت و آنها را منهدم کرده بودند و آثار موجود دیگر نیز راه زوال و نیستی می‌سپرد.

وضع اسفناک آثار باستانی اصفهان در آثرمان از نوشته‌های سیاحانی مانند پیرلوتی که در اواخر دوره قاجاریه اصفهان را دیده اند کاملاً مشهود است. این سیاح و نویسنده صاحب‌دل ضمن

(حدود ۱۵۵ متر) و فاصله بین ستونها ۲۴ یا ۸ (متر) میباشد. در حال حاضر ورزشی که در این میدان معمول میباشد دوچرخه سواری است. هنگام عصر میدان شاه از صدای زنگ و بوق دوچرخه سواران که اغلب آنها شاگردان دکانهای بازار بزرگ اصفهان هستند، پر میشود. آنها نمیدانند دوچرخه‌هایی که تازه به کشور آنها وارد شده مانند بازی گوی و چوگان قدیمی شده است، آنها با روپوشهایی مانند جامه خواب که انتهای آن را به میخ پای خود بسته‌اند و یا آنرا لای دندانهای خود گذاشته‌اند در گوشه و کنار میدان به دوچرخه سواری مشغولند و آزارین کار لذت می‌برند. متأسفانه این منظره بهیچ وجه با جامه‌های رنگارنگ و زیبای جوانانی که در بازی گوی و چوگان شرکت میکردند و اسبهایی که در این بازی از آنها استفاده میشد شباهتی ندارد از این گذشته عده دوچرخه سواران نسبت به مساحت میدان بسیار ناچیز است بطوریکه به زمین بازی دبستانی شبیه است که در ساعات تعطیل کودکان آنرا ترک گفته و فقط چند کودک نگوین بخت که از دیگران عقب مانده‌اند با یکدیگر مشغول بازی هستند. هم‌اکنون یک اصفهانی متجدد از علاقه جوانان به این تفریح جدید استفاده کرده و راه جدیدی برای تجارت یافته است، وی تعدادی دوچرخه کهنه را جمع‌آوری کرده و با

۳۵ - پنی Penny تقریباً معادل یک ریال است.

۳۶ - رجوع شود به سفرنامه فردریک چارلز ریچاردز - ترجمه فارسی، چاپ تهران، صفحه ۶ تا ۱۰.

توصیف میدان شاه راجع بخرابیها چنین می نویسد :
« هر اندازه جلومیرویم متوجه میشوم که مناره ها و گنبد
عبادتگاه وسیع و چیزهای دورتر در عقب صحن مسجد و ایوان
خراب و در حال انحلال و نابود شدن هستند » .

راجع بمدرسه سلطانی چهارباغ چنین نوشته است :

« این مجموعه جواهر گرانبها را که آفتاب ایران در زیر
امواج خود با جلال و شکوه میآراید می بینیم اما هنگامی که
بدقت توجه کنیم کهنگی و خرابی نمایان است ، قشنگی و زیبایی
این بنا آخرین سراپی است که پس از چند سال نابود میشود ،
گنبد شکاف خورده ، قسمتهای بالای مناره ها ریخته و رویوش
مینائی آنها که رنگش مانند آغاز ساختمان تازه و خرم است
در چند جا ریزش کرده و از این رو آجرهای خاکستری رنگ
و سوراخها و شکافها نمایان شده اند و از درون شکافها علفها
و گیاهان خودرو آویزان است » .

مرحوم محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) در تاریخ پنجشنبه
۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی تحت عنوان (مشاهدات و تفکرات
در باره آثار ملی در ضمن سفر اصفهان و فارس) بدعوت انجمن
آثار ملی مطالبی اظهار داشته که نقل آن کیفیت آثار تاریخی
اصفهان را در آن تاریخ روشن میکند و معلوم میدارد که تا چه
حد وضع آثار باستانی اصفهان اسفناکیز بوده است . فقید سعید
در سخنرانی خود پس از ذکر مطالبی در باره نفیست و اهمیت
جهانی ابنیه تاریخی اصفهان که ضمن آنها از مسجد شاه و مسجد
شیخ لطف الله در میدان نقش جهان و مدرسه چهارباغ و تالار
اشرف و پلهای سی و سه چشمه و خواجو نام برده چنین اظهار
داشته است :

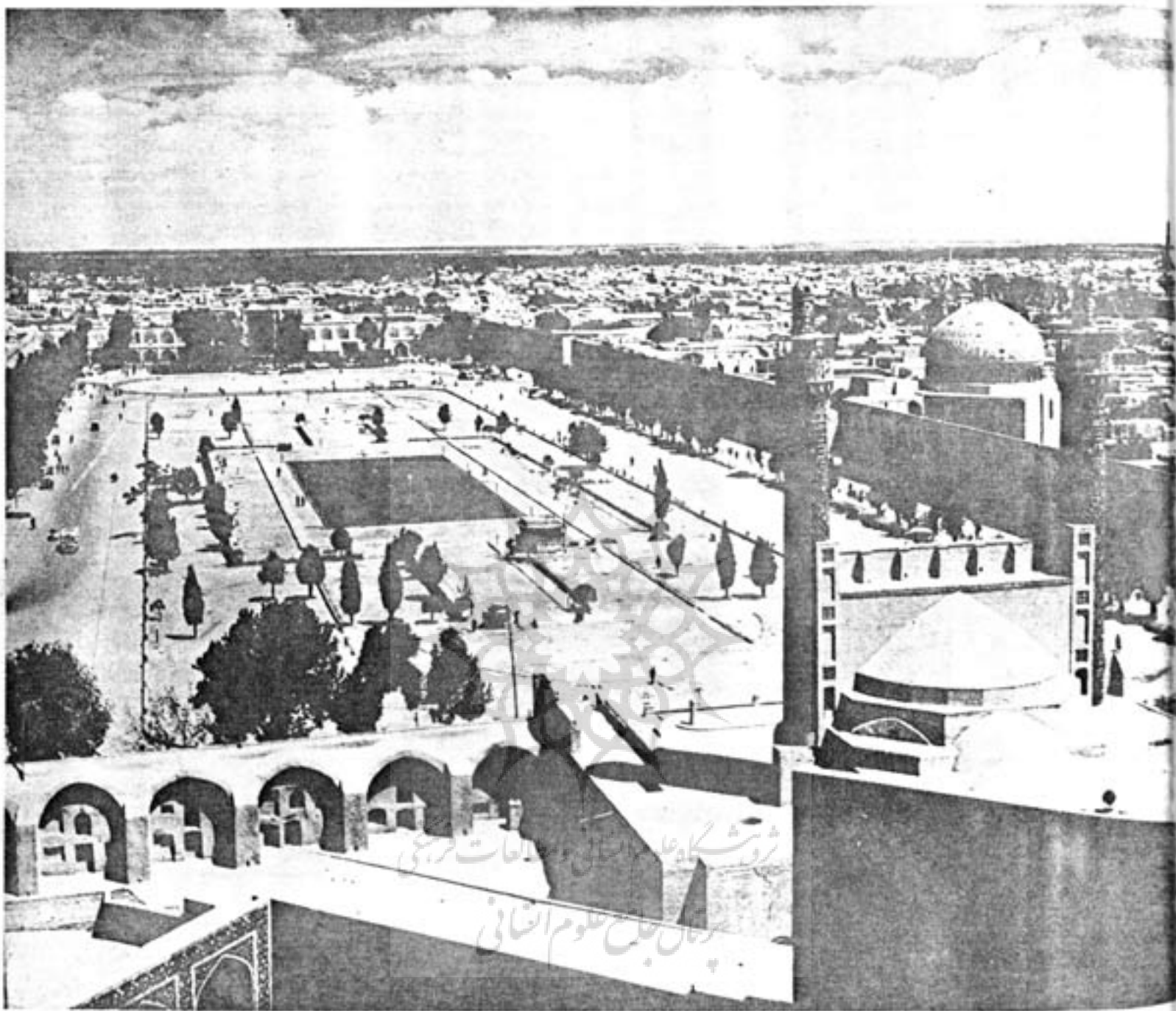
« ... اما از تفکراتی که از مشاهده این آثار دست میدهد
گذشته از محبت و اعجابی که شخص نسبت بمثویه و همت و غیرت
و ذوق و سلیقه آنها پیدا میکند نسبت بحالت حالیه آنها نمیتوانم
بزبان بیابورم که چه حالی برای انسان هست فیدهد و شاید هم
نیست که همه چیز در چنین محضری گفته شود ، همینقدر عرض
میکم بدو از من مردمانم که عشق و شور و هنرمندی و علو
همت مؤسین و مباشرین و موجدین این آثار را بیشتر مایه حیرت
بدانم یا پستی و بی همتی و بی لیاقتی و بیحسی و تفاوت کسانی که
اینطور چنین نفیاس را مورد بی اعتنائی و بی مبالائی قرار داده
یا راضی بتخریب آنها شده اند و حقیقه این مسئله برای من
معناست که ایرانی که دارای آن ذوق و حس است و این قسم
آثار را ایجاد میکند چگونه است که این اندازه در قردردانی نیست
بآنها کوتاهی دارد و در صورتی که این آثار یادگارهای عزیز
پدران ما و مفاخر ملی ما و اسباب اعتبار و آبرومندی و شرافت
ما در انظار مردم دنیا است چرا ما هیچ قدر و منزلتی برای آنها
قائل نیستیم ، این مساجدی که اسم بر دم کاشیهای آنها هر کدام
جواهری است گرانبها يك يك میریزد و جای آن سفید میماند

بطوریکه شخص با حس چون آنرا می بیند گوئی تیر بجشش
میخورد ولی کسانی که حفظ و سرپرستی این ابنیه و تلیفه دینی
وملی آنهاست بهیچوجه متأثر نیستند و در کمال سرفرازی هر روز
درین مساجد رفت و آمد میکنند . روی آن کاشیها بقدری گرد
و خاک نشسته که آب و رنگ بسیاری از آنها دیده نمیشود ، طاقه
و دیوارهای آنها شکست میخورد و کسی غم ندارد ، عمارات
چهل ستون و عالی قابو تا چندی قبل زباله دان بود و فقط پس
از تشکیل قشون جدید اصفهان که یکی از مراکز قشونی گردید
صاحبمنشیان اهتمام کردند و آنها را از ابتدال و نکبت بیرون
آوردند^{۳۷} . این عمارات چنانکه عرض کردم همه مزین بتقوش
و تصاویر بوده ولی در دوره های سابق مثل اینکه آنها را تنگ
و عار دانسته باشند روی آنها را گچ کشیده بودند که اخیراً
متصدیان حکومت و قشون و قتیکه در صدد احیای آنها برآمده اند
با زحمت زیاد آن گچها را از روی تصاویر برداشته اند ولی
البته از آب و رنگ و جلوه آنها بسیار کاسته شده و بعضی از آنها
هم بکلی ضایع بوده که اصلاح و استخلاص آنها ممکن نشده
است ، عمارات و قصور متعدد دیگر که از صفویه یادگار بوده
باید شرح و تفصیل آنها را در سیاحتنامه های اروپائیان که سابقاً
باصفهان رفته و آن ابنیه را دیده اند خوانند و تصاویر آنها را
دید زیرا که آن ابنیه را چنان منهدم کرده ویرانداخته اند که
جای آنها مثل کف دست صاف است . مسجد جامع که بآن اشاره
کردم و جامع خصایص قدمت و کهنگی و مزایای صنعتی میباشد
چنان خراب شده که عنقریب بجای اینکه محل عبادت و قیام
بوظائف دینی باشد مسکن و مأوای جغد و بوم خواهد بود^{۳۸} .

دورنمایی که مرحوم ذکاءالملک فروغی از بعضی آثار
تاریخی اصفهان بدست داده در حقیقت تصویری از وضع اسفناک
کلیه آثار تاریخی اصفهان در او اخر عهد قاجاریه است . وقتی
نسبت بتعمیر بناهای عظیم و درجه اول اصفهان مانند مسجد شاه
و مسجد جمعه و عمارات عالی قابو و چهلستون تا این حد سستی
و مسافتی و در بعضی مواقع ظلم روا میداشته اند وضع ابنیه
تاریخی گمنام شهر اصفهان روشن است که با چه نابسامانی
و آشفتگی و فلاکت توأم بوده است ، يك نظر بعکسهای کتاب
آثار ایران از انتشارات اداره کل باستانشناسی (جلد دوم - جزوه

۳۷ - احداث نرده باغ چهلستون و نظافت باغ مزبور و کاخهای
چهلستون و عالی قابو در آغاز استقرار ارتش در عهد شاهنشاه فقید در
اصفهان مرهون علاقه و جدیت مخصوص تیمار سرلشکر محمدحسین
فیروز که در آنوقت ریاست ستاد لشکر اصفهان را به عهده داشتند ، میباشد
و با وجودی که از مرهای غیردولتی برای استفاده ارتش فراهم میشد
ابنیه مزبور را از صورت ناپسندگشته خارج کردند و افسران علاقمند
دیگرنیز با ایشان همکاری نموده اند ، تیمار سرلشکر محمدحسین فیروز
از اعضاء هیئت مؤسین انجمن آثار ملی ایران نیز میباشد .

۳۸ - نقل از مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی صفحه ۳۸۲ و
۳۸۳ و ۳۸۴ .



منظره میدان نقش جهان در عصر پهلوی

احياء میدان نقش جهان و ساير آثار
تاریخی و هنری ایران در عصر پهلوی

تشکیل انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی با شرکت
شخصیتهائی مانند مرحوم مستوفی الممالک و حاج سید نصرالله
تقوی و مشیرالدوله و محتشم السلطنه اسفندیاری و عبدالحسین

اول) و (جلد اول جزوه دوم) بزبان فرانسه که اکثر آنها
قبل از تعمیرات اساسی آنها برداشته شده این حقیقت را بخوبی
آشکار مینماید. عکس گنبد مسجد شیخ لطف الله در این مقاله
که وضع این مسجد را قبل از شروع بتعمیر آن نمایش میدهد
نمونه بارزی از وضع متأثرکننده آثار عظیم تاریخی اصفهان
در اواخر عهد قاجاریه و متارن تشکیل سلسله پهلوی است.

تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) و ذکاء الملک فروغی و ارباب کیخسرو و تدوین قانون عتیقات که در ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید و آئین نامه آن در ۲۸ آبانماه ۱۳۱۱ از تصویب هیئت دولت گذشت و کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی را که تا اختتام دوره سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول در تحت حفاظت و نظارت دولت قرارداد اولین قدم در راه احیاء آثار تاریخی اصفهان در عصر پهلوی باید بشمار آورد.

بعضی از باستان شناسان و ایران شناسان خارجی نیز مانند پروفیسور پوپ در توجه دادن ایرانیان بارزش و اهمیت و عظمت و خلاقیت هنر و نفاست آثار تاریخی خود از طریق انتشار رسالاتی مانند (صنایع ایران در گذشته و آینده) و ایراد سخنرانیهای در این زمینه سهم بسزائی داشته اند.

شاهنشاه فقید در بدو جلوس بتخت سلطنت با حیای صنایع و تشویق هنرمندان و حفظ آثار ملی و ابنیه تاریخی و تأسیس موزه و کارگاههای قالی بافی و زری بافی و کاشی سازی و خاتم کاری و ترویج خط خوش و تذهیب و سایر هنرهای زیبا صمیمانه همت گماشت و بدستور آن پادشاه دولت در نمایشگاههای بین المللی صنایع ایران در امریکا در سال ۱۹۲۶ میلادی (۱۳۴۴ هجری قمری) و لندن در (۱۹۳۱) و مسکو و ولین گراد در (۱۹۳۵) شرکت جست و بطبع کتاب بزرگ «بررسی هنر ایران» در شش جلد قطور بهمت و کوشش پروفیسور پوپ و بقلم هفتاد تن از دانشمندان و متخصصین عالم کمک کرد، این کتاب نفیس که در نوع خود بی نظیر است در زمینه هنرهای زیبا و صنایع همان خدمت را بایران نموده است که تاریخ ادبی پروفیسور براون^{۴۰} در زمینه ادبیات انجام داده است^{۴۱}.

تأسیس موز ایران باستان و تشکیل اداره کل باستان شناسی و استخدام آقای آندره گدار^{۴۲} مدیر و متخصص فرانسوی برای راهنمایی و خدمت در سازمان باستان شناسی و تهیه فهرست آثار تاریخی ایران از اقدامات مفید عصر پهلوی و در زمره اولین گامهایی بشمار میرود که در راه احیاء آثار تاریخی و توجه بمحافظت و مراقبت آثار نفیس تاریخی کشور و از آنجمله آثار اصفهان برداشته شده است.

تعمیر آثار تاریخی اصفهان در سال ۱۳۱۱ شمسی با اقدام بتعمیر شکست بزرگ ایوان مسجد شاه آغاز شد و سپس تعمیر اطراف میدان نقش جهان و گنبد مسجد شیخ لطف الله که بویرانی گرائیده بود در برنامه اقدامات اساسی قرار گرفت، هم اکنون گنبدها و مناره های مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله و مدرسه چهارباغ مانند عصر ساختمان آنها در زیر آسمان نیلگون اصفهان دیدگان تماشاچیان را بسوی خود خیره میکند. دیگر يك قطعه کاشی افتاده در مسجد شیخ لطف الله و مدرسه چهارباغ و مسجد

شاه و مسجد جمعه بیچشم فیخورد. مسجد جمعه که مهمترین بنای تاریخی اصفهان و بمتزله موزه معماری اسلامی در کشور ایران است پس از تعمیرات مفصل و دامنهداری که طی سی سال اخیر در آن بعمل آمده در حقیقت موجودیت ثانوی پیدا کرده است. بناهای دیگر داخل شهر اصفهان مانند هارون ولایت و مسجد علی و مقبره و مدرسه باباقاسم و امامزاده اسماعیل و امامزاده جعفر و بابا رکن الدین و عالی قاپو و مناره های ساربان و مسجد علی و چهل دختران و باغ قوشخانه و مسجد حکیم و دهها بنای تاریخی دیگر بتدریج در برنامه تعمیر آثار ملی قرار گرفت و استادان چیره دست بنا و کاشیکار در اجرای منویات شاهنشاه فقید با کسب تعلیمات فنی از اداره کل باستان شناسی که در کشور ایران مؤسسه ای نو بنیاد بود دست بکار ساختن و پرداختن آنها شدند.

در دوره سی ساله سلطنت شاهنشاه آریامهر بدنبال اقدامات دوره اول اقدامات وسیع و دامنهداری در مورد تعمیر و ترمیم آثار تاریخی داخل و خارج شهر اصفهان بعمل آمد و تعمیر بناهایی مانند مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله در میدان نقش جهان بمرحله اتمام رسید و در آثار دیگری مانند عالی قاپو و چهلستون و هشت بهشت کارهای تعمیراتی با جدیت تمام دنبال شد. هم اکنون که این مقاله نوشته میشود تعمیرات آثار مزبور ادامه دارد و طرح عالی میدان نقش جهان صورت عمل بخود میگیرد، بموجب این طرح میدان نقش جهان شکل تاریخی خود را باز خواهد یافت و با روشن شدن تمام میدان و آثار مشهور تاریخی اطراف آن بر اساس استفاده از نور غیر مستقیم، شب هنگام منظره ای بخود خواهد گرفت که تا سالهای اخیر تصور آن هم شاید در عالم خیال امکان پذیر نبوده است.

۳۹ - A Survey of Persian Art

۴۰ - Professor Edward Granville Browne

از دوستان ارادتمند صمیمی تاریخ و ادبیات ایران است و شاهکار تألیفات او «تاریخ ادبیات ایران» که در چهار جلد از ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۴ میلادی بزبان انگلیسی بچاپ رسیده بوسیله مرحوم رشید یاسمی و جناب آقای علی اصغر حکمت و جناب آقای علی پاشا صالح بزبان فارسی ترجمه شده است.

۴۱ - رجوع شود بکتاب (یادگار عمر) تألیف سناتور دانشمند

جناب آقای دکتر عیسی صدیق اعلم صفحه ۲۹۶.

۴۲ - André Godard